

جلد دوم

# زبان فارسی و سرگذشت آن

دکتر محسن ابوالقاسمی



## زبان فارسی و سرگذشت آن



زبان فارسی دنباله‌ی فارسی میانه و آن دنباله‌ی فارسی باستان است. فارسی باستان یکی از شاخه‌های ایرانی باستان است. ایرانی باستان با هندی باستان شاخه‌ای از زبانهای هندی و اروپایی را تشکیل می‌دهد. از هندی و اروپایی اثری در دست نیست، از روی شاخه‌هایی که از آن منشعب شده مانند هندی باستان، با آگاهی از نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد مسیح و ایرانی باستان با آگاهی از اوائل هزاره اول پیش از میلاد مسیح،

به وجود آن پی برده و آثار بازسازی کرده‌اند. جایگاه اصلی مردمی که زبان آنها هندی و اروپایی بوده به درستی معلوم نیست برخی از دانشمندان آثار دشت‌های جنوب روسیه فرض نموده که بعدها از آن جاها سکونت گزیده‌اند. از اوایل هزاره اول پیش از میلاد مسیح که ایرانیان شروع به اشغال نجد ایران کردند تا هنگام تأسیس دولت ماد در سال ۷۰۸ پیش از میلاد مسیح ایرانی باستان به صورتهای مختلفی تحول پیدا کرده و زبانهای متعددی در نواحی مختلف نجد ایران از آن به وجود آمده بود. هر یک از این زبانها دارای ویژگیهایی شده بود که آنها را به کلی از یک دیگر و از ایرانی باستان ممتاز می‌ساخت.

این کتاب با همهی حجم کم آن کوشش می‌کند تا ضروری‌ترین مطالب را به خواننده علاقمند به تاریخ و تمدن باستانی ایران منتقل کند.

۴۲۲۰۰  
زبان و فرهنگ فارسی



تاسیس ۱۳۷۶  
کتابخانه تخصصی ادبیات

## زبان و فرهنگ فارسی پیش از اسلام

۱

FAP



تاسیس ۱۳۷۶  
کتابخانه تخصصی ادبیات

زبان فارسی و سرگذشت آن

---

فا ۴۰ ابوالقاسمی، محسن  
۰۰۰۹ / زبان فارسی و سرگذشت آن / محسن ابوالقاسمی. —  
[ویرایش ۲]. — تهران: ز ۱۸۱ الف هیرمند، ۱۳۷۴.  
۶۰ ص.: مصور، نمونه.  
کتابنامه: ص. ۵۸ - ۶۰.

۱. فارسی - تاریخ. ۲. زبانهای ایرانی - ریشه شناسی. ۳. خط  
فارسی. الف. عنوان.  
PIR۵۱  
د. ه. ا. کتابخانه های عمومی کشور

---

# زبان فارسی و سرگذشت آن

از  
محسن ابوالقاسمی

انتشارات هیرمند

۱۳۸۲

شرح پشت جلد:

کتیبه‌های داریوش و خشایارشا بر کوه الوند



**\*\*\***

از: محسن ابوالقاسمی

حروف چینی : ہیر مند

لیتوگرافی قاسملو / چاپ حیدری / صحافی مینو

چاپ دوم : ۱۳۸۲

شمارگان : ۵۰۰۰ نسخه



عضو هیئت مؤسس شرکت سهامی بخش و توسعه کتاب ایران

ISBN 964 - 5521 - 57 - 2 شابک ۹۶۴ - ۵۵۲۱ - ۵۷ - ۲

\*\*\*

انتشارات هیرمند: خیابان انقلاب خیابان لبافی‌نژاد بین فروردین و فخر رازی پلاک ۱۷۰

تلفن و دورنگار ۶۴۰۹۷۸۷ - ۶۹۵۳۰۷۶ - ۶۹۵۳۶۱۲ صندوق پستی ۱۳۱۴۵-۴۵۹

**www.hirmand pub.com**

نشانی سایت اختصاصی هیرمند در اینترنت:

Email Addresses: info @ hirmandpub.com

یست الکترونیک:



## یادداشت

آنچه در این دفتر آمده، همان مطالبی است که در مقدمه دفتر اول قاموس،

تهران ۱۳۶۴، چاپ شده است با اختلافات زیر:

۱- مطالبی اصلاح گردیده است.

۲- مطالبی حذف شده است.

۳- مطالبی افزوده گردیده است.

محسن ابوالقاسمی

۲۰ خردادماه ۱۳۷۴



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	۱. یادداشت
۱۱	۲. شرح نشانه‌ها
۱۵	۳. زبان فارسی و سرگذشت آن
۱۶	۴. زبانهای دوره باستان
۱۶	۵. زبان اوستایی
۱۷	۶. زبان مادی
۱۷	۷. زبان سکایی
۱۸	۸. زبان فارسی باستان
۱۹	۹. زبانهای دوره میانه
۲۰	۱۰. زبانهای ایرانی میانه غربی
۲۰	۱۱. فارسی میانه
۲۰	۱۲. کتیبه‌های پهلوی
۲۱	۱۳. زبور پهلوی
۲۱	۱۴. نوشته‌های زردشتیان
۲۳	۱۵. پازند
۲۳	۱۶. نوشته‌های مانویان

۱۷	پهلوی اشکانی	۲۵
۱۸	آثار پهلوی اشکانی از دوره اشکانیان	۲۵
۱۹	آثار پهلوی اشکانی از دوره ساسانیان	۲۵
۲۰	زبانهای ایران میانه شرقی	۲۶
۲۱	زبان بلخی	۲۶
۲۲	زبان سکایی	۲۷
۲۳	زبان سغدی	۲۸
۲۴	زبان خوارزمی	۲۹
۲۵	آثار قدیم خوارزمی	۲۹
۲۶	آثار جدید خوارزمی	۲۹
۲۷	الفبا در ایران پیش از اسلام	۳۰
۲۸	شعر در ایران پیش از اسلام	۳۳
۲۹	واژگان زبانهای ایرانی باستان و میانه	۳۵
۳۰	زبانهای ایرانی جدید	۳۵
۳۱	زبان فارسی	۳۷
۳۲	زبان پشتو	۴۱
۳۳	زبانهای کردی	۴۱
۳۴	زبان آسی	۴۱
۳۵	زبان بلوچی	۴۲
۳۶	نمونه‌هایی از نوشته‌های ایران پیش از اسلام	۴۳
۳۷	کتابنامه	۵۸

## شرح نشانه‌ها

شرح	نشانه
فتحه	a
ا (در «باد»)	ā
aw انگلیسی	ǎ
an فرانسوی	ə
ب	b
چ	ç
نوعی سین بوده است	ç
د	d
ذ	ð
کسره	e
یای مجهول نامیده می‌شود، از کسره کشیده‌تر ادا می‌شود.	ē
کسره کوتاه	ə
بلندتر از ه	ē
ف	f

زبان فارسی و سرگذشت آن	۱۲
گ	g
ه	h
کسره	i
ی (در «امیر»)	ī
ج	ǰ
ک	k
ل	l
م	m
ن	n
نگ	ŋ
نگ	ŋ
واو مجهول نامیده می‌شود، از ضمه کشیده‌تر ادا می‌شود.	ō
پ	p
ر	r
س	s
ش	ʃ
ت	t
ت در پایان کلمه می‌آید	t̪
ث	θ
ضمه	u
و (در «نور»)	ū
و	w
خ	x
خو: ادای آن مانند «خ» آغاز می‌شود و	x <sup>v</sup>

مانند «و» پایان می‌پذیرد.

ی (در «یک»)

y

ز

z

ژ

ž

u نشانه کوتاه بودن و - نشانه بلند

ü

بودن مصوت است. وقتی روی مصوتی

ü نوشته می‌شود، مصوت هم کوتاه

است و هم بلند:  $\ddot{a} = a$  و  $\ddot{a} = \bar{a}$ .

آن چه درون [ ] آورده شده برای

[ ]

روشن شدن مطلب افزوده گردیده است.





## زبان فارسی و سرگذشت آن

زبان فارسی دنباله فارسی میانه و آن دنباله فارسی باستان است. فارسی باستان یکی از شاخه‌های ایرانی باستان است. ایرانی باستان با هندی باستان شاخه‌ای از زبانهای هندی و اروپایی را تشکیل می‌دهد. از هندی و اروپایی اثری در دست نیست، از روی شاخه‌هایی که از آن منشعب شده مانند هندی باستان، با آثاری از نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد مسیح و ایرانی باستان با آثاری از اوایل هزاره اول پیش از میلاد مسیح، به وجود آن پی برده و آنرا بازسازی کرده‌اند. جایگاه اصلی مردمی که زبان آنها هندی و اروپایی بوده به درستی معلوم نیست، برخی از دانشمندان آنرا در دشتهای جنوب روسیه فرض نموده که بعدها از آن جا گروهی به سوی هند و ایران و گروهی به سوی اروپا کوچ کرده و در آن جاها سکونت گزیده‌اند. از اوایل هزاره اول پیش از میلاد مسیح که ایرانیان شروع به اشغال نجد ایران کردند تا هنگام تأسیس دولت ماد در سال ۷۰۸ پیش از میلاد مسیح، ایرانی باستان به صورتهای مختلفی تحول پیدا کرده و زبانهای متعددی در نواحی مختلف نجد ایران از آن به وجود آمده بود. هریک از این زبانها دارای ویژگیهایی شده بود که آنها را به کلی از یکدیگر و از ایرانی باستان ممتاز می‌ساخت. از ایرانی باستان تا آنجا که مدرک در دست داریم چهار زبان مستقیماً منشعب شده است:

۱- اوستایی ۲- مادی ۳- سکایی ۴- فارسی باستان.

به یقین می‌توان گفت که زبانهای دیگری هم مستقیماً از ایرانی باستان منشعب

شده بوده که از آنها چیزی باقی نمانده است، چون در دوره میانه و در دوره نوین زبانهای مانند سغدی و بلوچی داریم که هیچ یک از آنها را به ملاحظات زبان شناسی نمی توان از زبانهای اوستایی و مادی و سکایی و فارسی باستان منشعب دانست، پس ناچاریم بپذیریم که سغدی باستانی هم بوده که در دوره میانه زبان سغدی دنباله آن است. هم چنین باید بپذیریم که زبان بلوچی باستانی هم بوده است که زبان بلوچی دنباله آن است. دوره باستان، به طور کلی از ۱۰۰۰ پیش از میلاد مسیح، سال استقرار ایرانیان در سرزمین ایران، تا ۳۳۱ پیش از میلاد مسیح، سال سقوط هخامنشیان، را دربر می گیرد.

## زبانهای دوره باستانی

### ۱- زبان اوستایی

زبان اوستایی زبان یکی از نواحی شرقی ایران بوده است. تنها اثری که از این زبان به جای مانده کتاب «اوستا» است. اوستا به دو گویش نوشته شده است. گویشی که «گاهان»، یعنی سخنان خود زردشت، بدان نوشته شده و گویشی که بخشهای دیگر اوستا بدان نوشته شده است. گویش نخست را گویش گاهانی و گویش دوم را گویش جدید نامیده اند. اوستای امروزی حدود یک سوم اوستای دوره ساسانی است. اوستای دوره ساسانی، آن طور که از «دین کرت»، کتابهای هشتم و نهم، برمی آید بیست و یک «نسک»، یعنی کتاب، داشته است. اوستای امروزی دارای بخشهای زیر است:

۱- یسن، گاهان بخشی از یسن است. ۲- ویسپرد ۳- وندیداد ۴- یشت ۵- خرده اوستا.

زردشت در سده های نخستین هزاره اول پیش از میلاد مسیح زندگی می کرده و از این رو گاهان، که سخن خود زردشت است، از سده های نخستین هزاره اول

پیش از میلاد مسیح است. بخشهای دیگر اوستا در دوره مختلف از سده ششم پیش از میلاد مسیح تا سده سوم میلادی نوشته شده‌اند.

اوستا در آغاز سینه به سینه نقل می‌شده است. در دوره ساسانیان الفبایی از الفبای زبوری و پهلوی اختراع شد و اوستا بدان نوشته شد. این الفبا را «الفبای اوستایی» و «دین دبیری» نامیده‌اند. این الفبا برای هریک از آواهای اوستایی یک نشانه دارد. نشانه‌های الفبایی جدا از هم نوشته می‌شده و در هر جای کلمه که می‌آمده یک صورت داشته‌اند، به خلاف الفبای فارسی که نشانه‌ها به هم متصل می‌شوند و به شکل‌های مختلف درمی‌آیند. مثلاً در الفبای فارسی «ب» به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

ب (آغازی)، ب (میانی)، ب (پایانی)، ب جدا از نشانه ماقبل.

اما ب اوستایی: ل، در هر جای کلمه که می‌آمده به صورت ل نوشته می‌شده است. دین دبیری از راست به چپ نوشته می‌شده است.

## ۲- زبان مادی

زبان مادی، زبان قدیم ماد بوده است. از این زبان نوشته‌ای در دست نیست. از این زبان تعدادی واژه در نوشته‌های فارسی باستان و یونانی به جای مانده است. آن جمله است:

wazarka: بزرگ، zbā: اعلام کردن، xšāyaOya: شاه، asan: سنگ، miOra: مهر.

## ۳- زبان سکایی

سکاها از هزاره اول پیش از میلاد مسیح تا هزاره اول میلادی منطقه وسیعی را از کناره‌های دریای سیاه تا مرزهای چین در تصرف داشتند. از زبان قدیم

سکاها نوشته‌ای به جای نمانده است. از زبان سکا‌های مغرب، که در کناره‌های دریای سیاه و جنوب روسیه زندگی می‌کرده‌اند، تعدادی واژه در کتابهای یونانی و لاتینی باقی مانده است. از زبان سکا‌های آسیای میانه هم تعداد لغت در نوشته‌های هندی و یونانی و لاتینی به جای مانده است. لغات به جای مانده از سکایی باستان اغلب از اسم‌های خاص هستند. چند واژه از سکایی غربی که در نوشته‌های یونانی و لاتینی آمده‌اند:

arvant: تند و سریع، aspa: اسب، ātar: آذر، bāzu: بازو، čarma: چرم، dyav: شدن، gauša: گوشه، hapta: هفت، huška: خشک.

#### ۴- زبان فارسی باستان

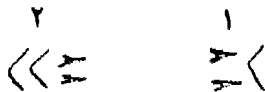
آثار بازمانده از فارسی باستان کتیبه‌های شاهان هخامنشی (۵۹۹ - ۳۳۱ پیش از میلاد مسیح) هستند. نخستین کتیبه از اریارمنه (۶۱۰ - ۵۸۰ پیش از میلاد مسیح)، جدیدترین کتیبه از اردشیر سوم (۳۵۸ - ۳۳۸ پیش از میلاد مسیح) و مهمترین کتیبه از داریوش بزرگ (۵۲۱ - ۴۸۶ پیش از میلاد مسیح) است. کتیبه داریوش بر کوه بیستون، واقع بر راه همدان به کرمانشاه، حک شده است. این کتیبه با ترجمه به زبانهای اکدی و عیلامی همراه هست. در این کتیبه داریوش زندگی خود را شرح داده است.

فارسی باستان به الفبایی نوشته شده که به آن، به سبب شباهت نشانه‌های آن به میخ، الفبای میخی می‌گویند. الفبای میخی ۳۶ حرف، ۲ واژه جداکن و ۸ اندیشه‌نگار دارد. به جای این که واژه‌ای را با نشانه‌های الفبایی بنویسند، برای دلالت بر آن، شکلی را به کار برده‌اند، این شکل را اندیشه‌نگار نامیده‌اند، مثلاً این شکل <۲۲> به جای <۱۲> به کار برده شده است. <۲> ب و <۲۲> گ است و هر دو شکل бага خوانده می‌شوند به معنی «خدا». اما

واژه جداکنها به صورتهای زیر هستند:



الفبای فارسی باستان، که از چپ به راست نوشته می‌شده، الفبایی هجایی است، یعنی صامت و مصوت با هم همراه هستند، مثلاً شکل نخست «ن» و شکل دوم «ن» است:



از خصیصه‌های عمده زبانهای اوستایی و فارسی باستان وجود حالات هشتگانه فاعلی و مفعولی و مفعولی معه و مفعولی له و مفعوله عنه و اضافی و مفعولی فیه و ندایی و جنس‌های مذکر و مؤنث و خشی و شمار مفرد و مثنی و جمع برای اسم و صفت و ضمیر است.

### زبانهای دوره میانه

دوره میانه به طور کلی از سقوط هخامنشیان، یعنی سال ۳۳۱ پیش از میلاد مسیح، آغاز می‌شود و به سال ۸۶۷ میلادی، برابر با سال ۲۵۴ هجری، سالی که یعقوب لیث صفار، زبان فارسی دری را زبان رسمی ایران کرد، پایان می‌پذیرد. در دوره میانه زبانهای زیر رایج بوده‌اند:

۱- بلخی ۲- سکایی ۳- سغدی ۴- خوارزمی ۵- پهلوی اشکانی ۶- فارسی میانه.

زبانهای دوره میانه به دو گروه تقسیم می‌شوند: الف- گروه ایرانی میانه غربی، شامل فارسی میانه و پهلوی اشکانی. ب- گروه ایرانی میانه شرقی، شامل بلخی و سکایی و سغدی و خوارزمی. شمار مثنی و جنس‌های سه گانه، مذکر و مؤنث و خشی و حالت‌های هشتگانه فاعلی و مفعولی و مفعولی معه و مفعولی له و مفعولی عنه و اضافی و مفعولی فیه و ندایی ایرانی باستان به زبانهای ایرانی میانه غربی

نرسیده‌اند. زبانهای ایرانی میانه شرقی جنس‌های سه‌گانه و برخی از حالت‌های هشتگانه را حفظ کرده‌اند.

## الف - زبانهای ایرانی میانه غربی

### ۱- فارسی میانه

فارسی میانه، که زبان رسمی ایران در دوره ساسانیان بوده، دنباله فارسی باستان است. آثار بازمانده از فارسی میانه بسیار زیاد است و می‌توان آنها را به چهار دسته تقسیم کرد:

### الف - کتیبه‌های پهلوی

کتیبه‌های پهلوی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- کتیبه‌های شاهنشاهان ساسانی. این شاهنشاهان از خود کتیبه به جای گذاشته‌اند:

اردشیر اول (۲۲۴-۲۴۱ میلادی)، شاپور اول (۲۴۱-۲۷۱ میلادی)، بهرام اول (۲۷۱-۲۷۵ میلادی)، نرسی (۲۹۳-۳۰۱ میلادی)، شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹)، شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ میلادی).

۲- کتیبه‌های رجال دوره ساسانی. از رجال دوره ساسانی کرتیر، روحانی مهم زمان شاهنشاهان نخستین ساسانی، مهرنرسی بزرگ فرماندار (: صدراعظم) زمان یزدگرد اول (۳۹۹-۴۲۰ میلادی)، بهرام پنجم (۴۲۰-۴۴۰ میلادی) و یزدگرد دوم (۴۴۰-۴۵۷ میلادی) کتیبه از خود به جای گذاشته‌اند.

۳- کتیبه‌های شهر دورا. دورا از شهرهای قدیمی سوریه، واقع در شرق نینوا

قدیم و موصل امروزی بوده است. این شهر را شاپور اول ویران نمود. در کنیسه یهودیان این شهر کتیبه‌هایی یادگاروار حک شده است. نقش سکه‌ها و مهرهای شاهنشاهان و بزرگان ساسانی که حاوی عناوین و القاب و نامهای صاحبان آنهاست از نظر تاریخ ایران و تاریخ زبان فارسی ارزش بسیار دارند.

الفبایی که کتیبه‌های پهلوی بدان نوشته شده از اصل آرامی گرفته شده است. نشانه‌های الفبایی جدا از هم نوشته می‌شده‌اند و هر نشانه در هر جای کلمه که می‌آمده تنها یک صورت داشته است. نشانه‌های الفبایی از راست به چپ نوشته می‌شده‌اند. در کتیبه‌های پهلوی «هزوارش» به کار رفته است.

### ب - زبور پهلوی

در دوره ساسانیان مسیحیان ایران کتابهایی به فارسی میانه نوشته و یا از کتابهای دینی خود به فارسی میانه ترجمه کرده بودند. از نوشته‌ها و ترجمه‌های آنها تنها ترجمه بخشی از «زبور» از ترفان همراه با نوشته‌های مانوی به دست آمده که متعلق به سده هشتم میلادی است.

الفبایی که زبور پهلوی بدان نوشته شده حذفاصل میان الفبای کتیبه‌های پهلوی و الفبای پهلوی کتابی است. نشانه‌های الفبایی جدا از هم و از راست به چپ نوشته می‌شده‌اند. در زبور «هزوارش» به کار رفته است.

### ج - نوشته‌های زردشتیان

نوشته‌ها زردشتیان به طور کلی به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- ترجمه‌های اوستا به فارسی میانه. علمای زردشتی در دوره ساسانیان، برای

آن که مردم ایران بتوانند اوستا را بخوانند و بفهمند، آنرا به زبان زندهٔ زمان خود، یعنی فارسی میانه، ترجمه کردند و بر آن تفسیر نوشتند. ترجمه و تفسیر اوستا به فارسی میانه «زند» نامیده شده است. زند بخشهای مختلف اوستا، به جز زندیشتها، باقی مانده است. زندیشتها به طور ناقص به جای مانده است. زند بخشهایی از اوستای ساسانی، که از میان رفته، باقی مانده است.

۲- متن های دینی. این بخش شامل کتابهایی می شود، که به فارسی میانه در موضوعهای دینی نوشته شده اند.

مهمترین متن های دینی عبارت اند از: «دین گزت»، «بُندَهش»، «داتِستان دینیک»، «نامه های منوچهر»، «گزیده های زات سپرم»، «شکند گمانیک و چار»، «شایست نه شایست»، «مینوی خرد»، «روایات پهلوی»، «گَجَستک اَبالِش»، «جاماسب نامه»، «اندرز بزرگمهر»، «اندرز پوریوتکیشان» و «اندرز دانایان به مزدیسنان».

۳- متن های غیر دینی. مهمترین کتابهای غیر دینی عبارت اند از «کارنامهٔ اردشیر بابکان»، «خسرو قبادان و ریدک»، «شهرهای ایران»، «افدیها و سهیگیهای سگستان» (عجایب و غرایب سیستان).

الفبایی، که نوشته های زردشتیان بدان نوشته شده، دنبالهٔ الفبای زبوری است و آن خود دنبالهٔ الفبای کتیبه هاست. نشانه های این الفبا از راست به چپ و متصل به هم نوشته می شده اند. برخی از نشانه ها تنها به نشانهٔ پیش از خود و برخی دیگر هم به نشانهٔ پیش از خود و هم به نشانهٔ پس از خود متصل می شده اند. اتصال نشانه های الفبایی سبب می شده که صورت متصل آنها با صورت اصلی تفاوت داشته باشد.<sup>۴</sup> چ است، صورت متصل آن ن است. ن خود پ و ف است. ل هم گ است هم ی، صورت متصل ل: گ و ل: ی می شود: لا. لا خود هم ه و هم خ و هم "ا" است. در نوشته های زردشتیان هزوارش به کار رفته است.



### پازند

چون اکثر نشانه‌های الفبایی، که نوشته‌های زردشتیان بدانها نوشته شده، برای نشان دادن دو یا چند آوا به کار می‌رفت و این دشواریها را وجود هزوارش و اتصال نشانه‌ها چندین برابر می‌کرد، علمای زردشتی، برای از میان برداشتن این دشواریها، نوشته‌های زردشتی را به الفبای اوستایی، که هر نشانه تنها بر یک آوا دلالت می‌کند، نوشتند. متنتهایی که به این ترتیب فراهم آمدند، یعنی به الفبای اوستایی بازنویسی شدند و در آنها هزوارش به کار نرفت، «پازند» نامیده شدند. پازندنویسی از سده‌های نخستین اسلامی آغاز شده و تا سده ششم هجری دوام داشته است. چون پازندنویسان، به سبب مرده بودن زبان، تلفظ دقیق واژه‌ها را نمی‌دانستند، زیر نفوذ فارسی خود متنهای فارسی میانه را طوری به الفبای اوستایی نوشتند، که با تلفظ فارسی میانه، آن‌طور که از قرائن برمی‌آید، فرقه‌های فراوان دارد. برای نوشتن متنهای فارسی میانه به الفبای اوستایی از نشانه‌هایی استفاده شد، که آواهایی که آن نشانه‌ها نمایند آنها هستند، برابر قواعد زبان‌شناسی ایرانی، در فارسی میانه وجود نداشته‌اند. مثلاً: 𐬀: 𐬁: 𐬂: 𐬃: 𐬄: 𐬅: 𐬆: 𐬇: 𐬈: 𐬉: 𐬊: 𐬋: 𐬌: 𐬍: 𐬎: 𐬏: 𐬐: 𐬑: 𐬒: 𐬓: 𐬔: 𐬕: 𐬖: 𐬗: 𐬘: 𐬙: 𐬚: 𐬛: 𐬜: 𐬝: 𐬞: 𐬟: 𐬠: 𐬡: 𐬢: 𐬣: 𐬤: 𐬥: 𐬦: 𐬧: 𐬨: 𐬩: 𐬪: 𐬫: 𐬬: 𐬭: 𐬮: 𐬯: 𐬰: 𐬱: 𐬲: 𐬳: 𐬴: 𐬵: 𐬶: 𐬷: 𐬸: 𐬹: 𐬺: 𐬻: 𐬼: 𐬽: 𐬾: 𐬿: 𐭀: 𐭁: 𐭂: 𐭃: 𐭄: 𐭅: 𐭆: 𐭇: 𐭈: 𐭉: 𐭊: 𐭋: 𐭌: 𐭍: 𐭎: 𐭏: 𐭐: 𐭑: 𐭒: 𐭓: 𐭔: 𐭕: 𐭖: 𐭗: 𐭘: 𐭙: 𐭚: 𐭛: 𐭜: 𐭝: 𐭞: 𐭟: 𐭠: 𐭡: 𐭢: 𐭣: 𐭤: 𐭥: 𐭦: 𐭧: 𐭨: 𐭩: 𐭪: 𐭫: 𐭬: 𐭭: 𐭮: 𐭯: 𐭰: 𐭱: 𐭲: 𐭳: 𐭴: 𐭵: 𐭶: 𐭷: 𐭸: 𐭹: 𐭺: 𐭻: 𐭼: 𐭽: 𐭾: 𐭿: 𐮀: 𐮁: 𐮂: 𐮃: 𐮄: 𐮅: 𐮆: 𐮇: 𐮈: 𐮉: 𐮊: 𐮋: 𐮌: 𐮍: 𐮎: 𐮏: 𐮐: 𐮑: 𐮒: 𐮓: 𐮔: 𐮕: 𐮖: 𐮗: 𐮘: 𐮙: 𐮚: 𐮛: 𐮜: 𐮝: 𐮞: 𐮟: 𐮠: 𐮡: 𐮢: 𐮣: 𐮤: 𐮥: 𐮦: 𐮧: 𐮨: 𐮩: 𐮪: 𐮫: 𐮬: 𐮭: 𐮮: 𐮯: 𐮰: 𐮱: 𐮲: 𐮳: 𐮴: 𐮵: 𐮶: 𐮷: 𐮸: 𐮹: 𐮺: 𐮻: 𐮼: 𐮽: 𐮾: 𐮿: 𐯀: 𐯁: 𐯂: 𐯃: 𐯄: 𐯅: 𐯆: 𐯇: 𐯈: 𐯉: 𐯊: 𐯋: 𐯌: 𐯍: 𐯎: 𐯏: 𐯐: 𐯑: 𐯒: 𐯓: 𐯔: 𐯕: 𐯖: 𐯗: 𐯘: 𐯙: 𐯚: 𐯛: 𐯜: 𐯝: 𐯞: 𐯟: 𐯠: 𐯡: 𐯢: 𐯣: 𐯤: 𐯥: 𐯦: 𐯧: 𐯨: 𐯩: 𐯪: 𐯫: 𐯬: 𐯭: 𐯮: 𐯯: 𐯰: 𐯱: 𐯲: 𐯳: 𐯴: 𐯵: 𐯶: 𐯷: 𐯸: 𐯹: 𐯺: 𐯻: 𐯼: 𐯽: 𐯾: 𐯿: 𐰀: 𐰁: 𐰂: 𐰃: 𐰄: 𐰅: 𐰆: 𐰇: 𐰈: 𐰉: 𐰊: 𐰋: 𐰌: 𐰍: 𐰎: 𐰏: 𐰐: 𐰑: 𐰒: 𐰓: 𐰔: 𐰕: 𐰖: 𐰗: 𐰘: 𐰙: 𐰚: 𐰛: 𐰜: 𐰝: 𐰞: 𐰟: 𐰠: 𐰡: 𐰢: 𐰣: 𐰤: 𐰥: 𐰦: 𐰧: 𐰨: 𐰩: 𐰪: 𐰫: 𐰬: 𐰭: 𐰮: 𐰯: 𐰰: 𐰱: 𐰲: 𐰳: 𐰴: 𐰵: 𐰶: 𐰷: 𐰸: 𐰹: 𐰺: 𐰻: 𐰼: 𐰽: 𐰾: 𐰿: 𐱀: 𐱁: 𐱂: 𐱃: 𐱄: 𐱅: 𐱆: 𐱇: 𐱈: 𐱉: 𐱊: 𐱋: 𐱌: 𐱍: 𐱎: 𐱏: 𐱐: 𐱑: 𐱒: 𐱓: 𐱔: 𐱕: 𐱖: 𐱗: 𐱘: 𐱙: 𐱚: 𐱛: 𐱜: 𐱝: 𐱞: 𐱟: 𐱠: 𐱡: 𐱢: 𐱣: 𐱤: 𐱥: 𐱦: 𐱧: 𐱨: 𐱩: 𐱪: 𐱫: 𐱬: 𐱭: 𐱮: 𐱯: 𐱰: 𐱱: 𐱲: 𐱳: 𐱴: 𐱵: 𐱶: 𐱷: 𐱸: 𐱹: 𐱺: 𐱻: 𐱼: 𐱽: 𐱾: 𐱿: 𐲀: 𐲁: 𐲂: 𐲃: 𐲄: 𐲅: 𐲆: 𐲇: 𐲈: 𐲉: 𐲊: 𐲋: 𐲌: 𐲍: 𐲎: 𐲏: 𐲐: 𐲑: 𐲒: 𐲓: 𐲔: 𐲕: 𐲖: 𐲗: 𐲘: 𐲙: 𐲚: 𐲛: 𐲜: 𐲝: 𐲞: 𐲟: 𐲠: 𐲡: 𐲢: 𐲣: 𐲤: 𐲥: 𐲦: 𐲧: 𐲨: 𐲩: 𐲪: 𐲫: 𐲬: 𐲭: 𐲮: 𐲯: 𐲰: 𐲱: 𐲲: 𐲳: 𐲴: 𐲵: 𐲶: 𐲷: 𐲸: 𐲹: 𐲺: 𐲻: 𐲼: 𐲽: 𐲾: 𐲿: 𐳀: 𐳁: 𐳂: 𐳃: 𐳄: 𐳅: 𐳆: 𐳇: 𐳈: 𐳉: 𐳊: 𐳋: 𐳌: 𐳍: 𐳎: 𐳏: 𐳐: 𐳑: 𐳒: 𐳓: 𐳔: 𐳕: 𐳖: 𐳗: 𐳘: 𐳙: 𐳚: 𐳛: 𐳜: 𐳝: 𐳞: 𐳟: 𐳠: 𐳡: 𐳢: 𐳣: 𐳤: 𐳥: 𐳦: 𐳧: 𐳨: 𐳩: 𐳪: 𐳫: 𐳬: 𐳭: 𐳮: 𐳯: 𐳰: 𐳱: 𐳲: 𐳳: 𐳴: 𐳵: 𐳶: 𐳷: 𐳸: 𐳹: 𐳺: 𐳻: 𐳼: 𐳽: 𐳾: 𐳿: 𐴀: 𐴁: 𐴂: 𐴃: 𐴄: 𐴅: 𐴆: 𐴇: 𐴈: 𐴉: 𐴊: 𐴋: 𐴌: 𐴍: 𐴎: 𐴏: 𐴐: 𐴑: 𐴒: 𐴓: 𐴔: 𐴕: 𐴖: 𐴗: 𐴘: 𐴙: 𐴚: 𐴛: 𐴜: 𐴝: 𐴞: 𐴟: 𐴠: 𐴡: 𐴢: 𐴣: 𐴤: 𐴥: 𐴦: 𐴧: 𐴨: 𐴩: 𐴪: 𐴫: 𐴬: 𐴭: 𐴮: 𐴯: 𐴰: 𐴱: 𐴲: 𐴳: 𐴴: 𐴵: 𐴶: 𐴷: 𐴸: 𐴹: 𐴺: 𐴻: 𐴼: 𐴽: 𐴾: 𐴿: 𐵀: 𐵁: 𐵂: 𐵃: 𐵄: 𐵅: 𐵆: 𐵇: 𐵈: 𐵉: 𐵊: 𐵋: 𐵌: 𐵍: 𐵎: 𐵏: 𐵐: 𐵑: 𐵒: 𐵓: 𐵔: 𐵕: 𐵖: 𐵗: 𐵘: 𐵙: 𐵚: 𐵛: 𐵜: 𐵝: 𐵞: 𐵟: 𐵠: 𐵡: 𐵢: 𐵣: 𐵤: 𐵥: 𐵦: 𐵧: 𐵨: 𐵩: 𐵪: 𐵫: 𐵬: 𐵭: 𐵮: 𐵯: 𐵰: 𐵱: 𐵲: 𐵳: 𐵴: 𐵵: 𐵶: 𐵷: 𐵸: 𐵹: 𐵺: 𐵻: 𐵼: 𐵽: 𐵾: 𐵿: 𐶀: 𐶁: 𐶂: 𐶃: 𐶄: 𐶅: 𐶆: 𐶇: 𐶈: 𐶉: 𐶊: 𐶋: 𐶌: 𐶍: 𐶎: 𐶏: 𐶐: 𐶑: 𐶒: 𐶓: 𐶔: 𐶕: 𐶖: 𐶗: 𐶘: 𐶙: 𐶚: 𐶛: 𐶜: 𐶝: 𐶞: 𐶟: 𐶠: 𐶡: 𐶢: 𐶣: 𐶤: 𐶥: 𐶦: 𐶧: 𐶨: 𐶩: 𐶪: 𐶫: 𐶬: 𐶭: 𐶮: 𐶯: 𐶰: 𐶱: 𐶲: 𐶳: 𐶴: 𐶵: 𐶶: 𐶷: 𐶸: 𐶹: 𐶺: 𐶻: 𐶼: 𐶽: 𐶾: 𐶿: 𐷀: 𐷁: 𐷂: 𐷃: 𐷄: 𐷅: 𐷆: 𐷇: 𐷈: 𐷉: 𐷊: 𐷋: 𐷌: 𐷍: 𐷎: 𐷏: 𐷐: 𐷑: 𐷒: 𐷓: 𐷔: 𐷕: 𐷖: 𐷗: 𐷘: 𐷙: 𐷚: 𐷛: 𐷜: 𐷝: 𐷞: 𐷟: 𐷠: 𐷡: 𐷢: 𐷣: 𐷤: 𐷥: 𐷦: 𐷧: 𐷨: 𐷩: 𐷪: 𐷫: 𐷬: 𐷭: 𐷮: 𐷯: 𐷰: 𐷱: 𐷲: 𐷳: 𐷴: 𐷵: 𐷶: 𐷷: 𐷸: 𐷹: 𐷺: 𐷻: 𐷼: 𐷽: 𐷾: 𐷿: 𐸀: 𐸁: 𐸂: 𐸃: 𐸄: 𐸅: 𐸆: 𐸇: 𐸈: 𐸉: 𐸊: 𐸋: 𐸌: 𐸍: 𐸎: 𐸏: 𐸐: 𐸑: 𐸒: 𐸓: 𐸔: 𐸕: 𐸖: 𐸗: 𐸘: 𐸙: 𐸚: 𐸛: 𐸜: 𐸝: 𐸞: 𐸟: 𐸠: 𐸡: 𐸢: 𐸣: 𐸤: 𐸥: 𐸦: 𐸧: 𐸨: 𐸩: 𐸪: 𐸫: 𐸬: 𐸭: 𐸮: 𐸯: 𐸰: 𐸱: 𐸲: 𐸳: 𐸴: 𐸵: 𐸶: 𐸷: 𐸸: 𐸹: 𐸺: 𐸻: 𐸼: 𐸽: 𐸾: 𐸿: 𐹀: 𐹁: 𐹂: 𐹃: 𐹄: 𐹅: 𐹆: 𐹇: 𐹈: 𐹉: 𐹊: 𐹋: 𐹌: 𐹍: 𐹎: 𐹏: 𐹐: 𐹑: 𐹒: 𐹓: 𐹔: 𐹕: 𐹖: 𐹗: 𐹘: 𐹙: 𐹚: 𐹛: 𐹜: 𐹝: 𐹞: 𐹟: 𐹠: 𐹡: 𐹢: 𐹣: 𐹤: 𐹥: 𐹦: 𐹧: 𐹨: 𐹩: 𐹪: 𐹫: 𐹬: 𐹭: 𐹮: 𐹯: 𐹰: 𐹱: 𐹲: 𐹳: 𐹴: 𐹵: 𐹶: 𐹷: 𐹸: 𐹹: 𐹺: 𐹻: 𐹼: 𐹽: 𐹾: 𐹿: 𐺀: 𐺁: 𐺂: 𐺃: 𐺄: 𐺅: 𐺆: 𐺇: 𐺈: 𐺉: 𐺊: 𐺋: 𐺌: 𐺍: 𐺎: 𐺏: 𐺐: 𐺑: 𐺒: 𐺓: 𐺔: 𐺕: 𐺖: 𐺗: 𐺘: 𐺙: 𐺚: 𐺛: 𐺜: 𐺝: 𐺞: 𐺟: 𐺠: 𐺡: 𐺢: 𐺣: 𐺤: 𐺥: 𐺦: 𐺧: 𐺨: 𐺩: 𐺪: 𐺫: 𐺬: 𐺭: 𐺮: 𐺯: 𐺰: 𐺱: 𐺲: 𐺳: 𐺴: 𐺵: 𐺶: 𐺷: 𐺸: 𐺹: 𐺺: 𐺻: 𐺼: 𐺽: 𐺾: 𐺿: 𐻀: 𐻁: 𐻂: 𐻃: 𐻄: 𐻅: 𐻆: 𐻇: 𐻈: 𐻉: 𐻊: 𐻋: 𐻌: 𐻍: 𐻎: 𐻏: 𐻐: 𐻑: 𐻒: 𐻓: 𐻔: 𐻕: 𐻖: 𐻗: 𐻘: 𐻙: 𐻚: 𐻛: 𐻜: 𐻝: 𐻞: 𐻟: 𐻠: 𐻡: 𐻢: 𐻣: 𐻤: 𐻥: 𐻦: 𐻧: 𐻨: 𐻩: 𐻪: 𐻫: 𐻬: 𐻭: 𐻮: 𐻯: 𐻰: 𐻱: 𐻲: 𐻳: 𐻴: 𐻵: 𐻶: 𐻷: 𐻸: 𐻹: 𐻺: 𐻻: 𐻼: 𐻽: 𐻾: 𐻿: 𐼀: 𐼁: 𐼂: 𐼃: 𐼄: 𐼅: 𐼆: 𐼇: 𐼈: 𐼉: 𐼊: 𐼋: 𐼌: 𐼍: 𐼎: 𐼏: 𐼐: 𐼑: 𐼒: 𐼓: 𐼔: 𐼕: 𐼖: 𐼗: 𐼘: 𐼙: 𐼚: 𐼛: 𐼜: 𐼝: 𐼞: 𐼟: 𐼠: 𐼡: 𐼢: 𐼣: 𐼤: 𐼥: 𐼦: 𐼧: 𐼨: 𐼩: 𐼪: 𐼫: 𐼬: 𐼭: 𐼮: 𐼯: 𐼰: 𐼱: 𐼲: 𐼳: 𐼴: 𐼵: 𐼶: 𐼷: 𐼸: 𐼹: 𐼺: 𐼻: 𐼼: 𐼽: 𐼾: 𐼿: 𐽀: 𐽁: 𐽂: 𐽃: 𐽄: 𐽅: 𐽆: 𐽇: 𐽈: 𐽉: 𐽊: 𐽋: 𐽌: 𐽍: 𐽎: 𐽏: 𐽐: 𐽑: 𐽒: 𐽓: 𐽔: 𐽕: 𐽖: 𐽗: 𐽘: 𐽙: 𐽚: 𐽛: 𐽜: 𐽝: 𐽞: 𐽟: 𐽠: 𐽡: 𐽢: 𐽣: 𐽤: 𐽥: 𐽦: 𐽧: 𐽨: 𐽩: 𐽪: 𐽫: 𐽬: 𐽭: 𐽮: 𐽯: 𐽰: 𐽱: 𐽲: 𐽳: 𐽴: 𐽵: 𐽶: 𐽷: 𐽸: 𐽹: 𐽺: 𐽻: 𐽼: 𐽽: 𐽾: 𐽿: 𐾀: 𐾁: 𐾂: 𐾃: 𐾄: 𐾅: 𐾆: 𐾇: 𐾈: 𐾉: 𐾊: 𐾋: 𐾌: 𐾍: 𐾎: 𐾏: 𐾐: 𐾑: 𐾒: 𐾓: 𐾔: 𐾕: 𐾖: 𐾗: 𐾘: 𐾙: 𐾚: 𐾛: 𐾜: 𐾝: 𐾞: 𐾟: 𐾠: 𐾡: 𐾢: 𐾣: 𐾤: 𐾥: 𐾦: 𐾧: 𐾨: 𐾩: 𐾪: 𐾫: 𐾬: 𐾭: 𐾮: 𐾯: 𐾰: 𐾱: 𐾲: 𐾳: 𐾴: 𐾵: 𐾶: 𐾷: 𐾸: 𐾹: 𐾺: 𐾻: 𐾼: 𐾽: 𐾾: 𐾿: 𐿀: 𐿁: 𐿂: 𐿃: 𐿄: 𐿅: 𐿆: 𐿇: 𐿈: 𐿉: 𐿊: 𐿋: 𐿌: 𐿍: 𐿎: 𐿏: 𐿐: 𐿑: 𐿒: 𐿓: 𐿔: 𐿕: 𐿖: 𐿗: 𐿘: 𐿙: 𐿚: 𐿛: 𐿜: 𐿝: 𐿞: 𐿟: 𐿠: 𐿡: 𐿢: 𐿣: 𐿤: 𐿥: 𐿦: 𐿧: 𐿨: 𐿩: 𐿪: 𐿫: 𐿬: 𐿭: 𐿮: 𐿯: 𐿰: 𐿱: 𐿲: 𐿳: 𐿴: 𐿵: 𐿶: 𐿷: 𐿸: 𐿹: 𐿺: 𐿻: 𐿼: 𐿽: 𐿾: 𐿿: 𑀀: 𑀁: 𑀂: 𑀃: 𑀄: 𑀅: 𑀆: 𑀇: 𑀈: 𑀉: 𑀊: 𑀋: 𑀌: 𑀍: 𑀎: 𑀏: 𑀐: 𑀑: 𑀒: 𑀓: 𑀔: 𑀕: 𑀖: 𑀗: 𑀘: 𑀙: 𑀚: 𑀛: 𑀜: 𑀝: 𑀞: 𑀟: 𑀠: 𑀡: 𑀢: 𑀣: 𑀤: 𑀥: 𑀦: 𑀧: 𑀨: 𑀩: 𑀪: 𑀫: 𑀬: 𑀭: 𑀮: 𑀯: 𑀰: 𑀱: 𑀲: 𑀳: 𑀴: 𑀵: 𑀶: 𑀷: 𑀸: 𑀹: 𑀺: 𑀻: 𑀼: 𑀽: 𑀾: 𑀿: 𑁀: 𑁁: 𑁂: 𑁃: 𑁄: 𑁅: 𑁆: 𑁇: 𑁈: 𑁉: 𑁊: 𑁋: 𑁌: 𑁍: 𑁎: 𑁏: 𑁐: 𑁑: 𑁒: 𑁓: 𑁔: 𑁕: 𑁖: 𑁗: 𑁘: 𑁙: 𑁚: 𑁛: 𑁜: 𑁝: 𑁞: 𑁟: 𑁠: 𑁡: 𑁢: 𑁣: 𑁤: 𑁥: 𑁦: 𑁧: 𑁨: 𑁩: 𑁪: 𑁫: 𑁬: 𑁭: 𑁮: 𑁯: 𑁰: 𑁱: 𑁲: 𑁳: 𑁴: 𑁵: 𑁶: 𑁷: 𑁸: 𑁹: 𑁺: 𑁻: 𑁼: 𑁽: 𑁾: 𑁿: 𑂀: 𑂁: 𑂂: 𑂃: 𑂄: 𑂅: 𑂆: 𑂇: 𑂈: 𑂉: 𑂊: 𑂋: 𑂌: 𑂍: 𑂎: 𑂏: 𑂐: 𑂑: 𑂒: 𑂓: 𑂔: 𑂕: 𑂖: 𑂗: 𑂘: 𑂙: 𑂚: 𑂛: 𑂜: 𑂝: 𑂞: 𑂟: 𑂠: 𑂡: 𑂢: 𑂣: 𑂤: 𑂥: 𑂦: 𑂧: 𑂨: 𑂩: 𑂪: 𑂫: 𑂬: 𑂭: 𑂮: 𑂯: 𑂰: 𑂱: 𑂲: 𑂳: 𑂴: 𑂵: 𑂶: 𑂷: 𑂸: 𑂹: 𑂺: 𑂻: 𑂼: 𑂽: 𑂾: 𑂿: 𑃀: 𑃁: 𑃂: 𑃃: 𑃄: 𑃅: 𑃆: 𑃇: 𑃈: 𑃉: 𑃊: 𑃋: 𑃌: 𑃍: 𑃎: 𑃏: 𑃐: 𑃑: 𑃒: 𑃓: 𑃔: 𑃕: 𑃖: 𑃗: 𑃘: 𑃙: 𑃚: 𑃛: 𑃜: 𑃝: 𑃞: 𑃟: 𑃠: 𑃡: 𑃢: 𑃣: 𑃤: 𑃥: 𑃦: 𑃧: 𑃨: 𑃩: 𑃪: 𑃫: 𑃬: 𑃭: 𑃮: 𑃯: 𑃰: 𑃱: 𑃲: 𑃳: 𑃴: 𑃵: 𑃶: 𑃷: 𑃸: 𑃹: 𑃺: 𑃻: 𑃼: 𑃽: 𑃾: 𑃿: 𑄀: 𑄁: 𑄂: 𑄃: 𑄄: 𑄅: 𑄆: 𑄇: 𑄈: 𑄉: 𑄊: 𑄋: 𑄌: 𑄍: 𑄎: 𑄏: 𑄐: 𑄑: 𑄒: 𑄓: 𑄔: 𑄕: 𑄖: 𑄗: 𑄘: 𑄙: 𑄚: 𑄛: 𑄜: 𑄝: 𑄞: 𑄟: 𑄠: 𑄡: 𑄢: 𑄣: 𑄤: 𑄥: 𑄦: 𑄧: 𑄨: 𑄩: 𑄪: 𑄫: 𑄬: 𑄭: 𑄮: 𑄯: 𑄰: 𑄱: 𑄲: 𑄳: 𑄴: 𑄵: 𑄶: 𑄷: 𑄸: 𑄹: 𑄺: 𑄻: 𑄼: 𑄽: 𑄾: 𑄿: 𑅀: 𑅁: 𑅂: 𑅃: 𑅄: 𑅅: 𑅆: 𑅇: 𑅈: 𑅉: 𑅊: 𑅋: 𑅌: 𑅍: 𑅎: 𑅏: 𑅐: 𑅑: 𑅒: 𑅓: 𑅔: 𑅕: 𑅖: 𑅗: 𑅘: 𑅙: 𑅚: 𑅛: 𑅜: 𑅝: 𑅞: 𑅟: 𑅠: 𑅡: 𑅢: 𑅣: 𑅤: 𑅥: 𑅦: 𑅧: 𑅨: 𑅩: 𑅪: 𑅫: 𑅬: 𑅭: 𑅮: 𑅯: 𑅰: 𑅱: 𑅲: 𑅳: 𑅴: 𑅵: 𑅶: 𑅷: 𑅸: 𑅹: 𑅺: 𑅻: 𑅼: 𑅽: 𑅾: 𑅿: 𑆀: 𑆁: 𑆂: 𑆃: 𑆄: 𑆅: 𑆆: 𑆇: 𑆈: 𑆉: 𑆊: 𑆋: 𑆌: 𑆍: 𑆎: 𑆏: 𑆐: 𑆑: 𑆒: 𑆓: 𑆔: 𑆕: 𑆖: 𑆗: 𑆘: 𑆙: 𑆚: 𑆛: 𑆜: 𑆝: 𑆞: 𑆟: 𑆠: 𑆡: 𑆢: 𑆣: 𑆤: 𑆥: 𑆦: 𑆧: 𑆨: 𑆩: 𑆪: 𑆫: 𑆬: 𑆭: 𑆮: 𑆯: 𑆰: 𑆱: 𑆲: 𑆳: 𑆴: 𑆵: 𑆶: 𑆷: 𑆸: 𑆹: 𑆺: 𑆻: 𑆼: 𑆽: 𑆾: 𑆿: 𑇀: 𑇁: 𑇂: 𑇃: 𑇄: 𑇅: 𑇆: 𑇇: 𑇈: 𑇉: 𑇊: 𑇋: 𑇌: 𑇍: 𑇎: 𑇏: 𑇐: 𑇑: 𑇒: 𑇓: 𑇔: 𑇕: 𑇖: 𑇗: 𑇘: 𑇙: 𑇚: 𑇛: 𑇜: 𑇝: 𑇞: 𑇟: 𑇠: 𑇡: 𑇢: 𑇣: 𑇤: 𑇥: 𑇦: 𑇧: 𑇨: 𑇩: 𑇪: 𑇫: 𑇬: 𑇭: 𑇮: 𑇯: 𑇰: 𑇱: 𑇲: 𑇳: 𑇴: 𑇵: 𑇶: 𑇷: 𑇸: 𑇹: 𑇺: 𑇻: 𑇼: 𑇽: 𑇾: 𑇿: 𑈀: 𑈁: 𑈂: 𑈃: 𑈄: 𑈅: 𑈆: 𑈇: 𑈈: 𑈉: 𑈊: 𑈋: 𑈌: 𑈍: 𑈎: 𑈏: 𑈐: 𑈑: 𑈒: 𑈓: 𑈔: 𑈕: 𑈖: 𑈗: 𑈘: 𑈙: 𑈚: 𑈛: 𑈜: 𑈝: 𑈞: 𑈟: 𑈠: 𑈡: 𑈢: 𑈣: 𑈤: 𑈥: 𑈦: 𑈧: 𑈨: 𑈩: 𑈪: 𑈫: 𑈬: 𑈭: 𑈮: 𑈯: 𑈰: 𑈱: 𑈲: 𑈳: 𑈴: 𑈵: 𑈶: 𑈷: 𑈸: 𑈹: 𑈺: 𑈻: 𑈼: 𑈽: 𑈾: 𑈿: 𑉀: 𑉁: 𑉂: 𑉃: 𑉄: 𑉅: 𑉆: 𑉇: 𑉈: 𑉉: 𑉊: 𑉋: 𑉌: 𑉍: 𑉎: 𑉏: 𑉐: 𑉑: 𑉒: 𑉓: 𑉔: 𑉕: 𑉖: 𑉗: 𑉘: 𑉙: 𑉚: 𑉛: 𑉜: 𑉝: 𑉞: 𑉟: 𑉠: 𑉡: 𑉢: 𑉣: 𑉤: 𑉥: 𑉦: 𑉧: 𑉨: 𑉩: 𑉪: 𑉫: 𑉬: 𑉭: 𑉮: 𑉯: 𑉰: 𑉱: 𑉲: 𑉳: 𑉴: 𑉵: 𑉶: 𑉷: 𑉸: 𑉹: 𑉺: 𑉻: 𑉼: 𑉽: 𑉾: 𑉿: 𑊀: 𑊁: 𑊂: 𑊃: 𑊄: 𑊅: 𑊆: 𑊇: 𑊈: 𑊉: 𑊊: 𑊋: 𑊌: 𑊍: 𑊎: 𑊏: 𑊐: 𑊑: 𑊒: 𑊓: 𑊔: 𑊕: 𑊖: 𑊗: 𑊘: 𑊙: 𑊚: 𑊛: 𑊜: 𑊝: 𑊞: 𑊟: 𑊠: 𑊡: 𑊢: 𑊣: 𑊤: 𑊥: 𑊦: 𑊧: 𑊨: 𑊩: 𑊪: 𑊫: 𑊬: 𑊭: 𑊮: 𑊯: 𑊰: 𑊱: 𑊲: 𑊳: 𑊴: 𑊵: 𑊶: 𑊷: 𑊸: 𑊹: 𑊺: 𑊻: 𑊼: 𑊽: 𑊾:

می‌شوند:

- ۱- آثار مربوط به آفرینش جهان و جهانیان.
  - ۲- نامه‌های بزرگان دین مانی که به هم نوشته‌اند.
  - ۳- سرودهایی که در ستایش زروان (: خدای مانی) و ایزدان و روحانیان دین مانی سروده شده‌اند.
  - ۴- دعاها و اندرزهای مانی.
- الفبایی که آثار مانی و پیروان او بدان نوشته شده الفبایی است که از اصل سریانی گرفته شده است. نشانه‌های الفبای مانوی از راست به چپ و جدا از هم نوشته می‌شده‌اند. در نوشته‌های مانوی هزوارش به کارنرفته است. الفبای سریانی از الفبای آرامی گرفته شده است.
- بر زبانی که کتیبه‌های پهلوی بدان نوشته شده «فارسی میانه کتیبه‌ای» و «پهلوی کتیبه‌ای» اطلاق شده است. زبانی را که زبور بدان ترجمه شده «فارسی میانه زبوری»، «پهلوی زبوری»، «فارسی میانه مسیحی» و «پهلوی مسیحی» نامیده‌اند. «پهلوی»، «فارسی میانه زردشتی»، «پهلوی زردشتی»، «فارسی میانه کتابی» و «پهلوی کتابی» نامهایی هستند که بدانها زبان به کار رفته در نوشته‌های زردشتیان خوانده شده است. زبانی که آثار مانی و پیروان او بدان نوشته شده «فارسی میانه ترفانی»، «فارسی ترفانی»، «فارسی میانه مانوی» و «فارسی مانوی» نامیده شده است.
- از نظر قواعد دستوری اختلاف چندانی میان فارسی میانه کتیبه‌ای، فارسی میانه مسیحی، فارسی میانه زردشتی و فارسی میانه مانوی وجود ندارد. اختلافات بیشتر مربوط به واژه و معنی آن است. *ōhrmazd*: هرمز، در نوشته‌های زردشتی نام آفریننده نیکیه‌ها است، اما در نوشته‌های مانوی نام یکی از ایزدان، یعنی فرشتگان، است. *amahraspandān* در نوشته‌های مانوی بر عناصری که جهان نیکی از آنها ساخته شده، یعنی «آب» و «آذر» و «باد» و «روشنی» و «اثیر»، اطلاق شده است. *amahraspandān* در نوشته‌های زردشتی نامی است که فرشتگان مقرب (امشاسپندان) را بدان نامیده‌اند.

## ۲- پهلوی اشکانی

زبان پهلوی اشکانی زبان سرزمین «پهلو» بوده، که بر خراسان امروزی و برخی از نواحی مجاور آن، اطلاق می شده است. از پهلوی اشکانی باستانی اثری به جای نمانده است. آثار بازمانده از دوره میانه به دسته های زیر تقسیم می شود:

### الف - آثار پهلوی اشکانی از دوره اشکانیان

- از دوره اشکانیان از پهلوی اشکانی آثار زیر به جای مانده است:
  - ۱- در سالهای ۱۹۴۹ - ۱۹۵۸ سفالینه هایی از شهر «نسا»، واقع در نزدیکی عشق آباد، به دست آمدند. نسا پایتخت قدیم اشکانیان بوده است. بر روی سفالینه ها نوشته هایی به پهلوی اشکانی ثبت شده است.
  - ۲- قبالة اورامان کردستان از سال ۸۸ پیش از میلاد مسیح. ارمنستان از میانه سده اول پیش از میلاد مسیح تا پایان حکومت اشکانیان زیر نفوذ اشکانیان بوده است، به همین سبب تعدادی زیاد واژه پهلوی اشکانی به زبان ارمنی راه پیدا کرده است.

### ب - آثار پهلوی اشکانی از دوره ساسانیان

- آثار بازمانده از پهلوی اشکانی از دوره ساسانیان به دو دسته تقسیم می شوند:
  - ۱- کتیبه های پهلوی اشکانی. این کتیبه ها از پادشاهان نخستین ساسانی، مانند اردشیر اول و شاپور اول، هستند.
  - ۲- آثار مانی و پیروان او. آثار مانی و پیروان او در اوایل سده بیستم میلادی

از واحه ترخان همراه با آثار مانی و پیروان او به فارسی میانه به دست آمده‌اند. مطالب نوشته‌های مانوی به پهلوی اشکانی همان مطالبی هستند که در نوشته‌های مانوی به فارسی میانه آمده‌اند.

در اینجا باید از دو اثر دوره اشکانی نام برده شود:

- ۱- «ایا تکارزریران»: کتابی است درباره جنگ دینی گشتاسپ، پادشاه زردشتیان، با ارجاسپ پادشاه غیرزردشتیان.
- ۲- «درخت آسوریک»: کتابی است که در آن منظره «درخت آسوریک»، یعنی خرما با «بُز» آمده است.

هر دو متن را، که با الفبای فارسی میانه زردشتی نوشته شده‌اند، منظوم دانسته‌اند. بر اثر دستکاریهای نسخه‌برداران صورت منظوم متن‌ها به هم خورده است. هم بدان سبب، زبان پهلوی اشکانی متنها با زبان فارسی میانه زردشتی آمیخته شده است.

آثار پهلوی اشکانی، که از نسا به دست آمده و کتیبه‌های پهلوی اشکانی و قبالة اورامان به الفبایی نوشته شده‌اند که از اصل آرامی گرفته شده است. در این نوشته‌ها هزوارش به کاررفته است. این الفبا از راست به چپ نوشته می‌شده است. آثار مانی و پیروان او به الفبای مانوی، که آثار فارسی میانه مانوی بدان نوشته شده، نوشته شده‌اند.

## ب- زبانهای ایرانی میانه شرقی

### ۱- زبان بلخی

از زبان بلخی تا سال ۱۹۵۷ اثری در دست نبود. در این سال کتیبه‌ای در «سرخ کتل»، واقع در بغلان، در شمال افغانستان، پیدا شد. این کتیبه از معبدی است که به امر «کانیشکا» (سال جلوس بر تخت سلطنت ۱۲۰ یا ۱۲۵ میلادی)

پادشاه بزرگ کوشانی ساخته شده است. این کتیبه خوب حفظ شده و در ۲۵ سطر است. کتیبه به الفبای «تخاری» نوشته شده است. در سده دوم پیش از میلاد مسیح قبایل سکایی و تخاری سرزمین بلخ را تصرف کردند و این سرزمین به نام تخارستان معروف شد. از میان قبایل سکایی و تخاری سلسله‌های حکومتی به وجود آمدند. از آن سلسله‌ها معروف‌تر از همه «کوشانیان» اند. کوشانیان سرزمینی را که امروزه افغانستان نامیده می‌شود، در تصرف داشتند. نزد کوشانیان الفبای یونانی برای نوشتن زبانهای محلی به کار گرفته شد و این الفبا به «الفبای تخاری» معروف گشت. پس از ۱۹۵۷ از زبان بلخی آثار دیگری هم به دست آمده‌اند.

## ۲- زبان سکایی

همان‌طور که در صفحات پیش گفته شد از زبان سکایی کهن، جز تعداد واژه‌ی، چیزی به جای نمانده است. از زبان سکایی دوره میانه نوشته‌های زیادی به دست آمده‌اند. آثار سکایی از واحه «تمشق» و «مرتق» و «ختن»، واقع در آسیای میانه، به دست آمده‌اند. در آثار به دست آمده از ختن، گویندگان زبان، زبان خود را «ختنی» نامیده‌اند، از این رو سکایی را، ختنی هم نامیده‌اند. برخی از نوشته‌های ختنی دینی و برخی دیگر غیردینی هستند. نوشته‌های دینی ختنی مربوط به دین بودا هستند و نوشته‌های غیردینی متون پزشکی و داستانی و بازرگانی را دربر می‌گیرند. برخی از نوشته‌های ختنی ترجمه از سنکریت و تبتی هستند. آثار ختنی، که در اوایل سده بیستم میلادی به دست آمده‌اند، از سده‌های هفتم تا دهم میلادی هستند. آثار ختنی به الفبایی نوشته شده‌اند که به الفبای «براهمی» معروف است. الفبای براهمی را هندیها ظاهراً از آرامیها گرفته‌اند. الفبای براهمی الفبایی است «هجایی» مانند الفبای فارسی‌باستان. در این نوع الفبا صامتها با مصوتها همراه

هستند، مثلاً شکل اول ka و شکل دوم ga است، یعنی کاف و گاف همراه با فته:

$$\begin{array}{cc} ۲ & ۱ \\ ۸ & + \end{array}$$

الفبای براهمی از چپ به راست نوشته می‌شده است.

### ۳- زبان سغدی

زبان سغدی زبان سغد باستان بوده است. سغد در دوره هخامنشیان استانی از شاهنشاهی هخامنشی بوده است. سرزمین سغد تاجیکستان امروزی و سمرقند و بخارا را دربر می‌گرفته است. سمرقند و بخارا اکنون جزء ازبکستان هستند. آثار زبان سغدی در اوائل سده بیستم میلادی از آسیای میانه به دست آمده‌اند. آثار بازمانده از سغدی به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- آثار مربوط به دین بودا. ۲- آثار غیردینی سغدی. هر دو نوع این آثار به الفبایی نوشته شده‌اند، که از اصل آرامی گرفته شده است. در هر دو نوع نوشته هزوارش به کار رفته است. به زبانی که هر دو نوع نوشته بدان نوشته شده‌اند، «سغدی بودایی» می‌گویند.

۳- آثار مربوط به دین مسیح. این آثار به الفبای سریانی نوشته شده‌اند. در این آثار هزوارش به کار نرفته است. زبانی را، که آثار مربوط به دین مسیح بدان نوشته شده‌اند، «سغدی مسیحی» نامیده‌اند.

۴- آثار مربوط به دین مانوی. این آثار به الفبای مانوی، که در نوشتن متون مانوی به فارسی میانه و پهلوی اشکانی به کار رفته، نوشته شده‌اند. زبانی، که متون مانوی بدان نوشته شده‌اند، «سغدی مانوی» نامیده شده است. در نوشته‌های مانوی هزوارش به کار نرفته است.

هر سه نوع الفبایی، که متون سغدی بدانها نوشته شده‌اند، از راست به چپ نوشته می‌شده‌اند.

## ۴- زبان خوارزمی

زبان خوارزمی در خوارزم رایج بوده است. خوارزم در جنوب دریای آرال قرار دارد. در قدیم دریای آرال را «دریای خوارزم» می‌نامیده‌اند. مرکز خوارزم «جرجانیه» بوده است. سرزمین خوارزم، که در زمان هخامنشیان استانی از شاهنشاهی هخامنشی بوده، اکنون بخشی از آن جزء ازبکستان و بخشی دیگر جزء ترکمنستان است. از زبان خوارزمی، که ظاهراً تا سده هشتم هجری رایج بوده، و پس از آن متروک شده و ترکی جای آنرا گرفته، در نیمه اول سده بیستم میلادی دو نوع نوشته به دو الفبا به دست آمده است:

### الف - آثار قدیم خوارزمی

آثار قدیم خوارزمی، که به الفبای خوارزمی نوشته شده و آن الفبا از اصل آرامی گرفته شده، از سده سوم پیش از میلاد مسیح تا سده سوم میلادی هستند. در این نوشته‌ها هزوارش به کار رفته است.

### ب - آثار جدید خوارزمی

این آثار به الفبای فارسی نوشته شده‌اند و عبارت هستند از:

- ۱- ترجمه خوارزمی مقدمه الادب علامه زمخشری (م. ۵۳۸).
- ۲- جمله‌هایی به خوارزمی که در دو کتاب زیر آمده‌اند:
- ۱- یثیمه‌الدهر فی فتاوی اهل العصر. این کتاب تألیف محمود بن محمود
- ملکی خوارزمی است، که در سال ۶۴۵ درگذشته است.

۲- قنیه‌المنیة. این کتاب را مختار زاهدی، که در سال ۶۵۸ وفات یافته، تألیف کرده است. جمله‌های خوارزمی قنیه‌المنیة را «عمادی»، که در سده هشتم می‌زیسته، در کتاب «رسالة الالفاظ الخوارزمية التي في قنیه المبسوط» شرح کرده است.

ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه نامهای خوارزمی روزها و ماهها و جشنهای خوارزمیان را ثبت کرده است.

### الفبا در ایران پیش از اسلام

برای نوشتن زبانهای ایرانی باستان و میانه از چندین الفبا استفاده شده که مأخذ همه آنها سه الفباست، ایرانیان الفبای میخی را از اکدی‌ان و آنها از سومریان گرفته‌اند. مأخذ الفبای بلخی الفبای یونانی و مأخذ الفباهای دیگر الفبای آرامی است.

زبان و الفبای سومری در هزاره سوم پیش از میلاد در سومر، جنوب عراق امروزی، رواج داشته است. زبان و الفبای اکدی از هزاره سوم تا هزاره اول پیش از میلاد در بین‌النهرین رایج بوده است. زبان اکدی حدود ۲۰۰۰ پیش از میلاد جای زبان سومری را گرفت و در همین زمان به دو گویش تقسیم شد:

۱- گویش آسوری در شمال بین‌النهرین.

۲- گویش بابلی در جنوب بین‌النهرین.

به تدریج گویش بابلی رواج بیشتری یافت و حدود سده نهم پیش از میلاد جای زبان آسوری را گرفت. در سده‌های ۷ و ۶ پیش از میلاد آرامی به تدریج به جای زبان بابلی رایج شد.

در هزاره دوم پیش از میلاد مسیح به گویشهای مختلف آرامی در بین‌النهرین و شام تکلم می‌شد. گویش آرامی که در آسور بدان تکلم می‌شد از سده هشتم پیش از میلاد مسیح به بعد جانشین تمام گویشهای دیگر آرامی گردید. هنگامی

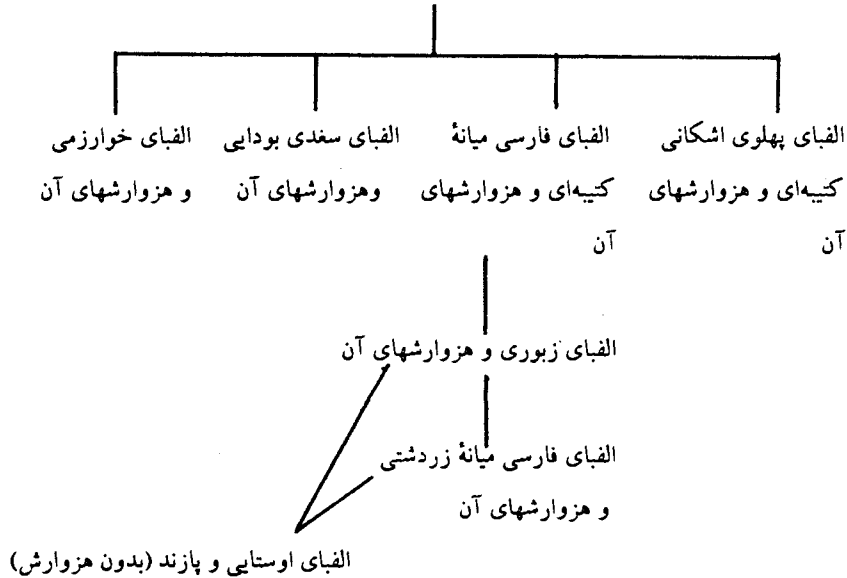


که هخامنشیان بین‌النهرین را فتح کردند زبان آرامی را به عنوان زبان اداری پذیرفتند و آنرا در تمام امپراطوری وسیع خود رواج دادند. کتیبه‌هایی از آرامی و هم‌چنین نوشته‌هایی از آن زبان از آسیای صغیر، عربستان، مصر و ایران پیدا شده که از دوره هخامنشیان هستند. مارکوارت، ایران‌شناس آلمانی، زبان آرامی رایج در شاهنشاهی هخامنشی را «آرامی امپراطوری» نامیده است. پس از سقوط هخامنشیان آرامی به هستی خود ادامه داد، اما به تدریج از تعداد کسانی که بر آن تسلط داشتند کاسته شد و از اوایل نیمه اول سده سوم پیش از میلاد مسیح کاتبان هرگاه از نوشتن به آرامی درمی‌ماندند جمله‌ای یا کلمه‌ای به زبان محلی خود، پهلوی اشکانی، فارسی میانه، سغدی و خوارزمی، به کار می‌بردند. پس از این دوره آرامی نویسی به کلی متروک شد و نوشتن به زبانهای محلی، یعنی فارسی میانه، پهلوی اشکانی، سغدی و خوارزمی، با قلمهای مختلفی از الفبای آرامی رایج گردید، اما واژه‌هایی که کاربرد بیشتری داشتند، مانند افعال و ضمائر و حروف هم‌چنان به آرامی نوشته می‌شدند. در خواندن، واژه‌های آرامی را به زبانهای محلی می‌خواندند. واژه‌های آرامی، که در نوشته‌های فارسی میانه و پهلوی اشکانی و سغدی و خوارزمی به کار می‌رفته اما در خواندن، به جای آنها واژه‌های محلی خوانده می‌شده، «هزوارش» نامیده شده‌اند. چند مثال:

واژه آرامی	فارسی میانه
من	از
ملکا	شاه
لک	تو
لیلا	شب
یوم	روز

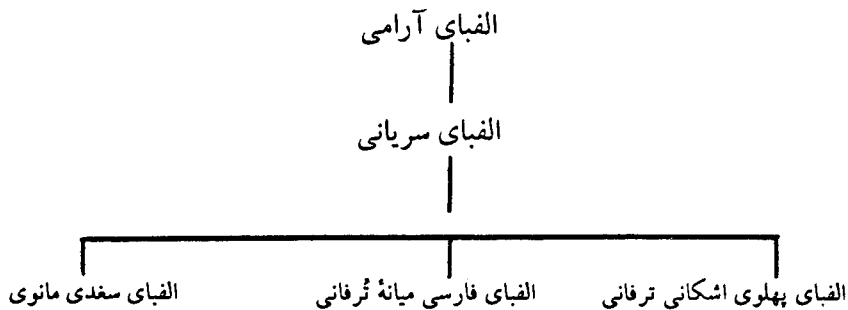
قلم‌های مختلف الفبای آرامی که برای نوشتن زبانهای محلی به کار می‌رفت در آغاز با هم اختلاف اندکی داشتند، اما به تدریج اختلافات زیاد شد به طوری که بعدها اگر کسی تنها الفبای فارسی میانه را آموخته بود نمی‌توانست الفبای پهلوی اشکانی را بخواند، باید الفبای پهلوی اشکانی را هم می‌آموخت.

## الفبا و زبان آرامی امپراطوری



یکی از گویشهای آرامی که در شهر «الرها» رایج بوده و به سریانی معروف گردیده، از سده دوم تا پانزدهم میلادی زبان علمی مسیحیان شرق شد و کتابهای زیادی از یونانی بدان زبان ترجمه شدند. مسلمانان نخست از ترجمه‌های سریانی کتابهای یونانی با علوم و معارف یونانی آشنا گردیدند.

مانی، که در زمان شاپور اول (سلطنت از ۲۴۱ تا ۲۷۱) ادعای پیغمبری کرده، آثار خود را، به جز شاپورگان که آنرا به فارسی میانه نوشته بوده، به زبان سریانی تالیف کرده بوده است. پیروان مانی آثار او را از سریانی به زبانهای دیگر، مانند پهلوی اشکانی و فارسی میانه، ترجمه کردند. مانی چون علاقه داشت که آثارش به سادگی و روشنی به مردم عرضه شود الفبای سریانی را، که از الفبای آرامی اخذ شده، با تغییراتی، برای نوشتن زبانهای ایرانی به کار گرفت.



مسیحیان سغدی زبان الفبای سریانی را، بدون تغییر، برای نوشتن زبان خود به کار بردند.

الفبای عربی که برای نوشتن زبانهای مختلف ایرانی به کار برده شد از الفبای آرامی اخذ شده است. آرامیان الفبای خود را از فنیقیان گرفته‌اند. زبان آسوریان دنبالهٔ زبان آرامی است.

### شعر در ایران پیش از اسلام

گاهان زردشت منظوم به نظم هجایی است، یعنی مصراعهای هر قطعه شعر تعداد معینی هجا دارد. مثلاً گاه نخست از پاره‌های سه‌بیتی تشکیل شده است. هر بیت دو مصراع دارد، مصراع اول ۷ هجا و مصراع دوم ۹ هجا دارد. شعر فارسی منظوم به نظم کمی است. در این نوع نظم تعداد هجاهای کوتاه و بلند هر مصراع و نظم قرار گرفتن هجاهای کوتاه و بلند در هر مصراع یکی است. در بیت زیر که از بوستان سعدی است هر مصراع ۱۱ هجا دارد. ۴ کوتاه و ۷ بلند، در هر پایه جز پایهٔ آخر، نخست یک هجای کوتاه آمده و پس از آن دو هجای بلند، در پایهٔ آخر نخست یک هجای کوتاه و پس از آن یک هجای بلند آمده است. ( U نشانهٔ هجای کوتاه و \_ نشانهٔ هجای بلند است):

نکوکار مردم نباشد بدش      نورزد کسی بد که نیک افتدش

نکوکا	ر مردم	نباشد	بدش
--U	--U	--U	-U
نورزد	کسی بد	که نیکف	تدش
--U	--U	--U	-U

اگر به جای «نکو» «نیکو» به کار ببریم تعداد هجاها به هم نمی خورد، اما نظم شعر، نظم هجایی می شود، هر مصراع ۱۱ هجا دارد، چون پایه نخست مصراع اول سه هجای بلند دارد، اما پایه نخست مصراع دوم یک هجای کوتاه و دو هجای بلند:

نیکوکا	ر مردم	نباشد	بدش
---	--U	--U	-U
نورزد	کسی بد	که نیکف	تدش
--U	--U	--U	-U

شعرهای دیگر ایران پیش از اسلام به نظم آزاد سروده شده اند، یعنی مصراعهای یک قطعه شعر ممکن است ۸ یا ۹ یا ۱۰ یا ۱۱ یا ۱۲ هجا داشته باشند. اگر در مصراع دوم بیت سعدی به جای «بد» «بدی» به کار ببریم مصراع دوم ۱۲ هجایی می شود، در این صورت بیت نه منظوم به نظم کمی است و نه منظوم به نظم هجایی:

نکوکا	ر مردم	نباشد	بدش
--U	--U	--U	-U
نورزد	کسی بدی	که نیکف	تدش
--U	-U-U	--U	-U

اشعار ایران پیش از اسلام بدون قافیه هستند.

### واژگان زبانهای ایران باستان و میانه

زبانهای ایرانی باستان و میانه که برای نوشتن متنهای زردشتی و مانوی به کار رفته‌اند، واژه‌هایی دارند که اهریمنی و اهورایی نامیده شده‌اند. واژه‌های اهریمنی مربوط به اهریمن و دیوان و واژه‌های اهورایی مربوط به اهورا و امشاسپندان و ایزدان هستند. در فارسی میانه زردشتی «گفتن» واژه‌ای اهورایی است، برابر اهریمنی آن «درآیدن» است. در فارسی میانه زردشتی «سر» واژه‌ای اهورایی است، برابر اهریمنی آن «کمال» است.

در زبان اوستایی واژه بیگانه وجود ندارد، اما در فارسی باستان و زبانهای ایرانی میانه از زبانهای سومری و یونانی و سنکریت و سریانی واژه‌هایی وارد شده‌اند:

سومری	فارسی باستان
dup	- dipī: کتیبه
سنکریت	پهلوی اشکانی
kumāra	kumār: پسر
سریانی	فارسی میانه ترنانی
maganna	maginn: مجنّه (: سپر)

### زبانهای ایرانی جدید

دوره جدید به طور کلی از سده سوم هجری شروع می‌شود و تاکنون ادامه دارد. در این دوره همه زبانهایی که در دوره میانه رایج بوده‌اند، جز زبان فارسی، از رواج افتادند.

در آغاز دوره اسلامی زبان پهلوی اشکانی از رواج افتاد و جای آنرا فارسی

گرفت. از زبان پهلوی اشکانی واژه‌هایی به فارسی راه یافته‌اند. از جمله آن واژه‌ها هستند:

فرشته، فرشته، انجام، انجمن، پور، اوژدن، فرزانه، فرجام، پیغام، مژده. زبان سفدی تا سده چهارم هجری رواج داشته و از آن پس متروک گردیده است و فارسی جای آنرا گرفته است. در دره یغنا، نزدیک رود زرافشان، در تاجیکستان امروزی، زبان یغنایی رایج است که بازمانده زبان سفدی است. از زبان سفدی واژه‌هایی به فارسی راه یافته‌اند. واژه‌های زیر از آن جمله هستند:

معنی	واژه سفدی
بلبل	زندواف
اندوختن	الفغدن
تاج گل	پساک
پسر خدا، لقب خاقان چین	فغفور
بت	فغ
بتکده	فرخار
وسيله شراب سازی	چرخشت

زبان سکایی تا سده پنجم هجری در کاشغر و حوالی آن رایج بوده و از آن پس ترکی جای آنرا گرفته است. گویش‌های پامیری، مانند «واخانی»، بازمانده‌های زبان سکایی هستند.

زبان خوارزمی تا سده هشتم هجری رایج بوده و از آن پس ترکی جای آنرا گرفته است.

در دوره جدید از زبانهای زیادی خبر داریم که در دوره باستان و میانه از آنها اثری به جای نمانده است، به جز فارسی و آسی که از هر دو در دوره باستان و میانه اثر به جای مانده است. مهمترین زبانهای دوره جدید، زبانهای زیر هستند:

## ۱- زبان فارسی

در سده‌های اول و دوم هجری زبان علمی ایرانیان مسلمان زبان عربی بوده است. ایرانیان غیرمسلمان، چون گذشته، زبانهای فارسی میانه و پهلوی اشکانی و سغدی و خوارزمی را به کار می‌بردند. از سده سوم هجری، با تأسیس دولت صفاریان، ایرانیان مسلمان زبان فارسی را، که به «فارسی دری» معروف شده بود، به کار گرفتند و آنرا با الفبای عربی نوشتند. این زبان اگرچه از نظر قواعد دستوری اختلاف چندانی با فارسی میانه نداشت. اما از دو جهت از آن ممتاز بود. نخست از جهت تغییر برخی از آواها:

فارسی میانه	فارسی دری
was	بس
wahišt	بهشت
wafr	برف

دیگر از جهت واژگانی. واژگان فارسی دری با واژگان فارسی میانه اختلافات زیر را پیدا کرده بود:

۱- واژه‌هایی از عربی به فارسی راه یافته بودند:

خمس، زکات، صلات، امیر، رسول.

۲- واژه‌هایی تغییر معنی داده بودند:

فارسی میانه	فارسی دری
yazdān: ایزدان	یزدان: الله
nibēg: کتاب	نبی: قرآن

۳- واژه‌هایی از رواج افتاده بودند:

yōzdahr: پاک، az: من، kadār: کدام، bidaxš: صدراعظم، amāwand: نیرومند.

۴- واژه‌هایی ساخته شده بودند برای دلالت بر مفاهیم جدید:

بانگ نماز: اذان، نماز پیشین: نماز ظهر، نماز دیگر: نماز عصر، گلدسته،

پیشنماز.

زبان فارسی در دوره غزنویان به هندوستان راه یافت و با تأسیس دولت مغولی هند به اوج ترقی خود رسید. «بابر»، که به پنج واسطه نسبش به تیمورلنگ می‌رسد، در سال ۹۳۲ در هند دولتی تأسیس کرد که مدت سیصد سال دوام یافت. بابر و پسرش همایون و نوه‌اش اکبر و پسر او جهانگیر بزرگترین حامیان زبان فارسی در هند بودند. دربار آنان مجمع شعرای ایران و فارسی‌گویان هند بود. بر اثر رواج فارسی در هند، از ترکیب فارسی و هندی، زبانی به وجود آمد که اکنون زبان مسلمانان هندوپاکستان است و «اردو» نامیده می‌شود.

زبان فارسی که در زمان سلطنت سلجوقیان روم (۴۷۰-۷۰۷) به آسیای صغیر راه یافته بود، در زمان دولت عثمانی (۶۸۰-۱۳۴۲) به اوج ترقی خود رسید. برخی از پادشاهان عثمانی، چون سلطان سلیم (سلطنت از ۹۱۸ تا ۹۲۶) به فارسی شعر سروده‌اند.

زبان فارسی از آغاز ثبت آن تاکنون از لحاظ آوایی و صرفی و نحوی تغییر چندانی نکرده، اما واژگان آن تغییرات زیادی پیدا کرده است.

از نظر آوایی به تحولات زیر باید اشاره کرد:

ه و و که به ترتیب یای مجهول و واو مجهول نامیده شده‌اند در فارسی امروز ایران به ا و u بدل شده‌اند.

اختلاف کسره با «ی»، ضمه با «و» و فتحه با «ا» در آغاز اختلاف کمی بوده، اما امروزه اختلاف کسره با «ی» و ضمه با «و» و فتحه با «ا» اختلاف کیفی است. در اختلاف کمی زمان تلفظ دو آوا با هم فرق دارد، اما نحوه ادای هر دو آوا یکی است. در اختلاف کیفی نحوه ادای دو آوا با هم فرق می‌کند، زمان تلفظ آنها اهمیت ندارد.

در آغاز، فارسی و و هر دو را داشته است، و را به صورت «ف» می‌نوشتند و به آن فاء اعجمی می‌گفتند و و را به صورت «و». فارسی امروز ایران به جای هر دو، و دارد.

آواهای «ذ» و «خو» که در آغاز در فارسی وجود داشته در فارسی امروز



ایران از میان رفته‌اند:

فارسی آغازی	فارسی امروز
بوذ	بود
رَوَذ	رود
خواهر	بدون واو تلفظ می‌شود.
خواستن	بدون واو تلفظ می‌شود.
فتحهٔ ماقبل «ی» در فارسی امروز ایران به کسره بدل شده است:	
فارسی آغازی	فارسی امروز
مِی	می
دِی	دی

در فارسی امروز ایران فتحهٔ ماقبل «و» در واژه‌هایی چون «نو» و «خسرو» بدل به ضمه شده و برخی از گویندگان فارسی «ضمه» و «و» را ّ تلفظ می‌کنند. فتحهٔ پایانی واژه‌ها، که در الفبا نشانه‌اش «ه» است، امروزه در ایران به طور رسمی به کسره بدل شده است.

از نظر تحول واژگانی به نکته‌های زیر باید اشاره کرد:  
از آغاز ثبت فارسی تا حکومت مغول بر ایران، یعنی تا سال ۶۲۸، از زبانهای عربی و یونانی و سریانی و ترکی واژه‌هایی به زبان فارسی راه یافتند. واژه‌های یونانی و سریانی را فارسی‌زبانان از عربها گرفتند.  
عربی: خلیفه، خلافت، مُلک، مَلِک، مملکت، سلطان، امیر.  
ترکی: آتاش (: همنام)، اتابک، اَقچه (: سکه زر)، یَغَلِق (: تیر پیکان‌دار)، دانشق (: مشاوره).

یونانی: فیلسوف، فلسفه، اسطرلاب، اقلیم، کیمیا، افیون، اسطقس، تریاق.  
سریانی: جُنبد (: گل)، خالوما (: نام دارویی)، فاشرا (: نوعی رستنی)، مَشْک (: نام دارویی) هَلَفِیفا (: نوعی کاسنی)، طَیطان (: گندناهی صحرايي).  
در این دوره لغات و ترکیبات جدیدی برای مفاهیم جدید وضع گردیدند:  
علم زیرین (: علم طبیعی)، فلسفهٔ پیشین (: حکمت اولی)، علم سپس طبیعت

(علم مابعدالطبیعه)، نفس سخن‌گوی (: نفس ناطقه).  
 از دوره مغول تا دوره قاجاریان، یعنی از ۶۲۸ تا ۱۲۰۹ از زبانهای عربی و مغولی و ترکی واژه‌هایی به زبان فارسی راه یافت. واژه‌های زیر مغولی هستند:  
 یاسا، آقا، اردو، چریک، کنگاش، تومان، بهادر.  
 از قاجاریان تا کنون واژه‌هایی از زبانهای اروپایی، به ویژه فرانسوی، وارد زبان فارسی شده‌اند و برخی از واژه‌های اروپایی ترجمه تحت‌اللفظ گردیده‌اند:  
 فرانسوی: ماشین، رادیو، کابینه، کمیسر، ژنرال، اتا‌ما‌ژور، ژانویه، فوریه.  
 روسی: اسکناس، استکان، چتکه، آپارات، سماور.  
 واژه‌های زیر ترجمه تحت‌اللفظ از واژه‌های انگلیسی هستند:  
 بی تفاوت (indifferent)، آسمان‌خراش (sky - scraper)، شناور (floating)  
 در این دوره افراد و مؤسسات دولتی واژه‌ها و ترکیباتی برای بیان مفاهیم جدید وضع کرده‌اند:  
 فرهنگستان ایران (دوره فعالیت ۱۳۱۴-۱۳۲۰) اصطلاحات زیر را ساخته است:

آمپرسنج، پالایش، پرتوشناسی  
 فرهنگستان زبان ایران (دوره فعالیت ۱۳۴۹-۱۳۵۷):  
 رایانه، گردهمایی، همایش، همه‌پرسی  
 فرهنگستان زبان و ادب فارسی (آغاز فعالیت ۱۳۶۸):  
 برف سری (: اسکی روی برف)، آب سری (: اسکی روی آب)، یخ سری  
 (: پاتیناژ)، برف سرک (: کفش اسکی روی برف).  
 کسروی تبریزی (م. ۱۳۲۴): آموزاک (تعلیمات)، پادکار (: عکس‌العمل)،  
 شهرگیری (: تمدن)، بزنده (: مجرم)، بزیدن (: جرم کردن)، جداسر (: مستقل).  
 دکتر خانلری (م. ۱۳۶۹): نهاد (: مسندالیه)، گزاره (: مسند)، واک (: فونم)  
 واک‌شناسی (: فونتیک)، شناسه.  
 دکتر مقدم: واج (: فونم)، واج‌شناسی (: فونولوژی)، خن‌شناسی (: فونتیک)،  
 همخوان (: صامت)، واکه (: مصوت).

## ۲- زبان پشتو

زبان پشتو (به فتح و ضم اول) یا پختو (به فتح اول) یا افغانی در شرق افغانستان و شمال پاکستان رایج است. پشتو دو گویش اصلی دارد، گویش جنوبی، که «ش» و «ژ» باستانی را حفظ کرده و گویش شمالی، که «ش» و «ژ» باستانی در آن بدل به «خ» و «غ» گردیده است. الفبایی که پشتو بدان نوشته می‌شود الفبای فارسی است که در آن تغییراتی داده شده تا با زبان پشتو متناسب گردد. از زبانهای هندی و فارسی و عربی و ترکی و مغولی واژه‌هایی به پشتو وارد شده است. قدیم‌ترین اثر مکتوب زبان پشتو از سده شانزدهم میلادی است. تا سال ۱۹۳۶ زبان فارسی دری زبان رسمی افغانستان بود، از آن سال پشتو زبان رسمی افغانستان گردید و فارسی دری به درجه دوم اهمیت تنزل کرد.

## ۳- زبانهای کردی

زبانهای کردی در ایران و ترکیه و عراق و سوریه و ارمنستان رایج هستند. در ایران و عراق، کردی را به الفبای فارسی می‌نویسند، با تغییراتی که در آن داده شده تا با کردی متناسب گردد. در ارمنستان کردی را با الفبای روسی و در سوریه و ترکیه با الفبای لاتینی می‌نویسند. از زبانهای فارسی و عربی و ترکی و روسی واژه‌هایی به زبانهای کردی راه یافته است.

## ۴- زبان آسی

زبان آسی در شمال قفقاز رایج است. زبان آسی به دو گویش تکلم می‌شود،

گوش دیگروری و گوش ایرونی. اکثریت آسها به گوش ایرونی، که از گوش دیگروری تحول یافته تر است، سخن می گویند. زبان آسی به الفبای روسی نوشته می شود. از زبان روسی واژه های زیادی وارد زبان آسی شده است. زبان آسی تنها زبان ایرانی است که فارسی تأثیری بر آن نگذاشته است. زبان آسی، که بازمانده سکایی غربی است، بسیاری از قواعد ایرانی باستان را، مانند حالات اسم، حفظ کرده است. نظام آوایی زبان آسی از زبانهای قفقازی تأثیر پذیرفته است.

## ۵- زبان بلوچی

زبان بلوچی در ایران و پاکستان و افغانستان و جنوب آسیای میانه و در ناحیه شارجه رایج است. زبان بلوچی با الفبای فارسی نوشته می شود با تغییراتی که در آن داده اند تا آنرا با زبان بلوچی متناسب گردانند.



mraoṭ ahurō mazdāḥ spitamāi zara0uštrāi. āaṭ yaṭ mi0rəm yim vouru. gaoyaoitīm  
frādaḍəm azəm spitama āaṭ dim daḍəm avāntəm yesnyata avāntəm vahmyata  
ya0a maṃcīt yim ahurəm mazdāḥ mōrēncāite vīspāḥ daighaom mairyo mi0rō.  
druxš spitama...

mi0rəm mā jānyā spitama

mā yim drvataṭ pərəsāṅhe

mā yim xvādaēnāṭ ašaonaṭ

vayā zī asti mi0rō

drvataēča ašaonaēča.

### شرح واژه‌ها

mraoṭ: فعل ماضی سوم شخص مفرد است از - mrao: گفتن.

ahurō: حالت فاعلی مفرد مذکر است از - ahura: مولی.

mazdāḥ: حالت فاعلی مفرد مذکر است از - mazdāh: حکیم.

ahura mazdāḥ نام خدای زردشت است. «هرمز» بازمانده ahura mazdāḥ است.

spitamāi: حالت مفعولی له مفرد مذکر است از - spitama: نام خانوادگی

زردشت است، «سپیتمان» بازمانده spitama است.

zara0uštrāi: حالت مفعولی له مفرد مذکر است از - zara0uštra: زردشت.

āaṭ: آن گاه.

yaṭ: که.

mi0rəm: حالت مفعولی مفرد مذکر است از - mi0ra: پیمان و ایزد موکل بر

آن. «مهر» بازمانده mi0ra است.

yim: حالت مفعولی مفرد مذکر است از - ya: ۱- کسره رابط میان صفت و

موصوف ۲ - موصول. در فارسی باستان: hya- «کسره اضافه» فارسی بازمانده hya- است.

vouru. gaoyaoitīm : حالت مفعولی مفرد مذکر است از -vouru. gaoyaotay : دارنده دشتهای فراخ.

fr̥daδam : فعل ماضی سوم شخص مفرد از -fr̥daδā : آفریدن.  
azəm : من.

spitama : حالت ندایی مفرد مذکر است از -spitama.  
dim : ضمیر متصل شخصی، سوم شخص مفرد در حالت مفعولی.  
daδam : فعل ماضی سوم شخص مفرد از -daδā : آفریدن.  
avāntəm : چنان.

yesnyata : حالت مفعولی معه فرد مؤنث از -yesnyatā : داشتن شایستگی ستایش.

vahmyata : حالت مفعولی معه فرد مؤنث از -vahmyatā : داشتن شایستگی نیایش.

yaθa : مانند. avāntəm ... yaθa : چنان ... که.

mam̐ciṭ : دو واژه است: mam̐ . ciṭ . mam̐ : ضمیر شخصی اول شخص مفرد، در حالت مفعولی. ciṭ : هم، نیز.

ahurəm mazdām : هر دو حالت مفعولی مفرد مذکر از -ahura -mazāh .  
mārənçaite : فعل مضارع سوم شخص مفرد از -mārənča : کشتن، نابود کردن.  
višpām : حالت مفعولی مفرد مؤنث از -višpā : همه.  
daighaom : حالت مفعولی مفرد مؤنث از -daighav : کشور. «دیه» و «ده» بازمانده‌های daighav- هستند.

mairyō : حالت فاعلی مفرد مذکر است از -mairya : فرومایه.  
miθrō. druxš : حالت فاعلی مفرد مذکر است از -miθrō. drug : پیمان‌شکن.  
mā : م (نشانه فعل نهی).

ḵanyā : فعل تمنایی دوم شخص مفرد است از -ḵan : زدن. «زدن» از -jan آمده

است. *miθr əm ʃan-*: پیمان شکستن

*drvataɪ*: حالت مفعولی عنه مفرد مذکر است از *-drvant*: دروند.

*pərəsāghe*: فعل التزامی دوم شخص مفرد است از *-pərəsa*: پرسیدن - *miθrəm*

*pərəsa*: پیمان بستن و گرفتن.

*x<sup>v</sup>ādaēnaɪ*: حالت مفعولی عنه مفرد مذکر است از *-x<sup>v</sup>ādaēna*: به دین

*ašaonaɪ*: حالت مفعولی عنه مفرد مذکر است از *-ašavan*: اشو، مؤمن.

*vayā*: حالت اضافی مثنی مذکر است از *-vaya*: هر دو.

*zī*: چون، زیرا.

*asti*: فعل مضارع سوم شخص مفرد از *-ah*: بودن. «است» بازمانده *asti* است.

*drvataēča*: دو واژه است: *drvataē* و *ča*. حالت مفعولی له مفرد مذکر

است از *-drvant*. *ča*: حرف ربط متصل است به معنی «و».

*ašaonaēča*: دو واژه است: *ašaonaē* و *ča*. حالت مفعولی له مفرد

مذکر است از *-ašavan*. *ča*: حرف ربط متصل.

### ترجمه

گفت اهوره مزدا سپیتمان زردشت را:

هنگامی که مهردارنده دشتهای فراخ را

آفریدم من، ای سپیتمان، آن گاهش آفریدم،

چنان با داشتن شایستگی ستایش، چنان با داشتن شایستگی نیاش،

که من، که اهوره مزدا [هستم].

نابود کند همه کشور را،

فرومایه پیمان شکن، ای سپیتمان...

پیمان را مشکینا، ای سپیتمان،

مه [آن] که از دروند گرفتی

مه [آن] که از بهدین مؤمن،



هر دو، زیرا، هست پیمان،  
دروندرا و مومن را.

### کتیبه خشایارشا بر کوه الوند

بر کوه الوند دو کتیبه از داریوش و خشایارشا حک شده است. هر یک از کتیبه‌ها به سه زبان فارسی باستان و عیلامی و اکدی است. کتیبه داریوش در طرف چپ قرار دارد و متن فارسی باستان کتیبه‌ها در طرف چپ و پس از آن ترجمه عیلامی و پس از ترجمه عیلامی ترجمه اکدی آمده است. متن کتیبه داریوش و خشایارشا یکی است، اختلاف در نامهای صاحبان کتیبه و نامهای پدران آنهاست. در کتیبه خشایارشا به جای «داریوش»، «خشایارشا» و به جای «گشتاسب»، «داریوش» آمده است. جمله زیر، که در کتیبه خشایارشا آمده، در


کتیبه داریوش نیامده است: hyah maōišťah bagānām

## کتیبه خشایارشاہ بر کوہ الوند

[illegible]

نقل از ص ۱۲۸ کتاب «فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی»، تألیف رلف نارمن شارپ، شیراز ۱۳۴۶.

## حرف‌نویسی و آوانویسی

سطر اول که با حرفهای بزرگ نوشته شده حرف‌نویسی و سطر دوم آوانویسی متن است. در حرف‌نویسی کلمه را همان طور که نوشته شده و در آوانویسی صورت ملفوظ کلمه را، آن طور از قرائن برمی‌آید، به الفبای لاتینی و یونانی و نشانه‌های قراردادی می‌نویسند. به جای ، که واژه جداکن است، در حرف‌نویسی «:» نوشته شده است.

1- B<sup>a</sup>G<sup>a</sup>: V<sup>a</sup>Z<sup>a</sup>R<sup>a</sup>K<sup>a</sup>: AUR<sup>a</sup>M<sup>a</sup>Z<sup>a</sup>D<sup>a</sup>A:

bagah wazarkah ahuramazdāh

2- H<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>: M<sup>a</sup>θ<sup>a</sup>IŠ<sup>a</sup>T<sup>a</sup>: B<sup>a</sup>G<sup>a</sup>AN<sup>a</sup>AM<sup>a</sup>:

hyah maθištah bagānām

3- H<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>: IM<sup>a</sup>AM<sup>a</sup>: BUM<sup>i</sup>IM<sup>a</sup>: AD<sup>a</sup>

hyah imām būmīm. ad

4- A: H<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>: AV<sup>a</sup>M<sup>a</sup>: AS<sup>a</sup>M<sup>a</sup>AN<sup>a</sup>AM<sup>a</sup>:

āt hyah awam asmānam

5- AD<sup>a</sup>A: H<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>: M<sup>a</sup>R<sup>a</sup>T<sup>a</sup>IY<sup>a</sup>M<sup>a</sup>: AD<sup>a</sup>

adāt hyah martyam. ad

6- A: H<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>: Š<sup>a</sup>IY<sup>a</sup>AT<sup>a</sup>IM<sup>a</sup>: AD<sup>a</sup>A:

āt hyah šyāūm adāt

7- M<sup>a</sup>R<sup>a</sup>T<sup>a</sup>IY<sup>a</sup>H<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>A: H<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>: X<sup>a</sup>Š<sup>a</sup>

martyahyā hyah xša

8- Y<sup>a</sup>AR<sup>a</sup>Š<sup>a</sup>AM<sup>a</sup>: X<sup>a</sup>Š<sup>a</sup>AY<sup>a</sup>θIY<sup>a</sup>M<sup>a</sup>:

yāršām xšāyaθyam

9- AK<sup>a</sup>UN<sup>a</sup>UŠ: AIV<sup>a</sup>M<sup>a</sup>: P<sup>a</sup>R<sup>u</sup>UN<sup>a</sup>

akun auš aiwam parun

10- AM<sup>a</sup> : X<sup>a</sup>š<sup>a</sup>AY<sup>a</sup>θ<sup>a</sup>IY<sup>a</sup>M<sup>a</sup> : AIV<sup>a</sup>M<sup>a</sup>

ām xšāyaθyam aiwam

11- P<sup>a</sup>R<sup>u</sup>UN<sup>a</sup>AM<sup>a</sup> : F<sup>a</sup>R<sup>a</sup>M<sup>a</sup>AT<sup>a</sup>AR<sup>a</sup>M<sup>a</sup>

parunām framātāram

12- AD<sup>a</sup>M<sup>a</sup> X<sup>a</sup>š<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>AR<sup>a</sup>š<sup>a</sup>A : X<sup>a</sup>š<sup>a</sup>A

adam xšayāršā xšā

13- Y<sup>a</sup>θ<sup>a</sup>IY<sup>a</sup> : V<sup>a</sup>Z<sup>a</sup>R<sup>a</sup>K<sup>a</sup> : X<sup>a</sup>š<sup>a</sup>AY<sup>a</sup>θ<sup>a</sup>

yaθyah wazarkah xšāyaθ

14- Y<sup>a</sup> : X<sup>a</sup>š<sup>a</sup>AY<sup>a</sup>θ<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>AN<sup>a</sup>AM<sup>a</sup> : X<sup>a</sup>š<sup>a</sup>

yah xšāyaθyānām xš

15- AY<sup>a</sup>θ<sup>a</sup>IY<sup>a</sup> : D<sup>a</sup>H<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>UN<sup>a</sup>AM<sup>a</sup> : P<sup>a</sup>R<sup>u</sup>

āyaθyah dahyūnām paru

16- UZ<sup>a</sup>N<sup>a</sup>AN<sup>a</sup>M<sup>a</sup> : X<sup>a</sup>š<sup>a</sup>AY<sup>a</sup>θ<sup>a</sup>IY<sup>a</sup> :

zanānām xšāyaθyah

17- AH<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>AY<sup>a</sup>A : B<sup>a</sup>UM<sup>i</sup>IY<sup>a</sup>A : V<sup>a</sup>

: ahyāyā būmyā wa

18- Z<sup>a</sup>R<sup>a</sup>K<sup>a</sup>AY<sup>a</sup>A : D<sup>u</sup>UR<sup>a</sup>AIY<sup>a</sup> : AP<sup>a</sup>IY<sup>a</sup>

zarkāyā dūrai api

19- D<sup>a</sup>AR<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>V<sup>a</sup>H<sup>a</sup>US<sup>a</sup> : X<sup>a</sup>š<sup>a</sup>AY<sup>a</sup>θ<sup>a</sup>IY<sup>a</sup>

dārayatwahauš xšāyaθya

20- H<sup>a</sup>Y<sup>a</sup>A : P<sup>a</sup>UÇ<sup>a</sup> : H<sup>a</sup>X<sup>a</sup>AM<sup>a</sup>N<sup>a</sup>IS<sup>a</sup>IY<sup>a</sup>

hyā puçah haxāmanišyah

## شرح واژه‌ها

- bagah: حالت فاعلی مفرد مذکر است از -baga به معنی خدا.
- wazarkah: حالت فاعلی مفرد مذکر است از -wazarka: بزرگ. «بزرگ» بازمانده wazarka است.
- ahuramazdāh: حالت فاعلی مفرد مذکر است از - ahuramazdāh نام خدای داریوش است. «هرمز» فارسی بازمانده ahuramazdāh است.
- hyah: حالت فاعلی مفرد مذکر است از -hya: که. کسره اضافه فارسی بازمانده hya است.
- maōišta: حالت فاعلی مفرد مذکر است از -maōišta: صفت عالی است از maō به معنی «بزرگ».
- bagānām: حالت اضافی جمع مذکر است از -baga.
- imām: حالت مفعولی مفرد مؤنث است از -imā: این. imā- مؤنث از -ima است.
- «ام» در «امروز»، «امشب»، «امسال» بازمانده ima است.
- būmīn: حالت مفعولی مفرد مؤنث است از -būmi: زمین. būmi- در فارسی «بوم» شده است.
- adāt: فعل ماضی سوم شخص مفرد است از -a، نشانه‌ای که پیش از فعل ماضی می‌آمده، -dā ماده است به معنی «دادن»، «آفریدن»، -t - شناسه است.
- awam: حالت مفعولی مفرد مذکر است از -awa: آن. awa- در فارسی «او» شده است.
- asmānam: حالت مفعولی مفرد مذکر است از -asmān: آسمان. asmān- در فارسی «آسمان» شده است.
- martyam: حالت مفعولی مفرد مذکر است از -martya: «مرد»، «انسان».
- martya- در فارسی «مرد» شده است.
- šyātīn: حالت مفعولی مفرد مؤنث است از -šyāti: شادی.

- martyahyā : حالت مفعولی له مفرد مذکر است از -martya .
- xšayāršām : حالت مفعولی مفرد مذکر است از -xšayāršan : خشایارشا .
- xšayāršan از xšaya- به معنی «شاه»، -aršan به معنی «قهرمان» ساخته شده، روی هم واژه مرکب به معنی «قهرمان شاهان» است. برخی تصور کرده‌اند که «خشایارشا» مرکب است از «خشایار» و «شا» به معنی «شاه» و از این تصور نادرست «خشایار» را به عنوان اسم به کار برده‌اند.
- xšāya0yam : حالت مفعولی مفرد مذکر است از -xšāya0ya : شاه. «شاه» بازمانده واژه -xšāya0ya است.
- akunauš : فعل ماضی سوم شخص مفرد است از -a- نشانه فعل ماضی، -kunau ماده فعل به معنی کردن و š شناسه. -kunau در فارسی «کن»، ماده مضارع «کردن»، شده است.
- aiwam : حالت مفعولی مفرد مذکر است از -aiwa : یک. «ی» نکره فارسی بازمانده -aiwa است و «یک» بازمانده -aiwaka. -aiwaka از -aiwa و پسوند -ka ساخته شده است.
- parunām : حالت اضافی جمع مذکر است از -paru : بسیار.
- framātāram : حالت مفعولی مفرد مذکر است از -framātar : خداوندگار.
- adam : ضمیر اول شخص مفرد در حالت فاعلی: من.
- xšayāršā : حالت فاعلی مفرد مذکر است از -xšayāršan .
- xšāya0yah : حالت فاعلی مفرد مذکر است از -xšāya0ya .
- xšāya0yānām : حالت اضافی جمع مذکر است از -xšāya0ya .
- از xšāya0yah xšāya0yānām در فارسی «شاهنشاه» به وجود آمده است.
- dahyūnām : حالت اضافی جمع مؤنث است از -dahyu : سرزمین. «دیه» و «ده» فارسی بازمانده‌های dahyu هستند.
- paruzanānām : حالت اضافی جمع است از -paruzanā : مؤنث -paruzana به معنی «دارای مردم بسیار» از -paru : بسیار و -zava : مردم.
- ahyāya : حالت مفعولی فیه مفرد مؤنث است از -a : این.

- būmyā : حالت مفعولی فیه مفرد مؤنث است از -būmi .
- wazarkāyā : حالت مفعولی فیه مفرد مؤنث است از -wazarka .
- dūrai : حالت مفعولی فیه مفرد خنثی است از -dūra : دور. «دور» فارسی بازمانده dūra- است.
- api : قید است به معنی «بسیار».
- dūrai api : دور و دراز.
- dārayatwahuš : حالت اضافی مفرد مذکر است از -dārayatwahu : داریوش.
- dārayatwahu- مرکب است از dārayat : دارنده، -wahu : بهی، روی هم «دارنده بهی». «دارا» و «داراب» فارسی بازمانده‌های -dārayatwahu هستند.
- xšāyaθyaḥyā : حالت اضافی مفرد مذکر است از -xšāyaθya .
- puṣaḥ : حالت فاعلی مفرد مذکر است از -puṣa : پسر. «پس» و «پسر» بازمانده‌های -puṣa هستند.
- haxāmanišyah : حالت فاعلی مفرد مذکر است از -haxāmanišya منسوب به
- haxāmaniš- : نام جد هخامنشیان.

### ترجمه

خدای بزرگ [است] اهوره مزدا  
 که بزرگترین خدایان [است]  
 که این بوم را داد  
 که آن آسمان را داد  
 که مردم را داد  
 که شادی داد مردم را  
 که خشایارشا را شاه کرد  
 یک شاه از بسیاری

یک خداوندگار از بسیاری  
من خشیارشا، شاه بزرگ[م]  
شاه شاهان  
شاه سرزمینهای دارای مردم بسیار  
شاه در این بوم بزرگ دور و دراز  
داریوش شاه را پور، هخامنشی.

### اندرزی از دانایان

متن از ص ۵۴ «متون پهلوی» است که در سال ۱۸۹۷ در بمبئی چاپ شده است. متن را هنینگ، ایران‌شناس فقید آلمانی، منظوم دانسته است. حرف‌نویسی به الفبای فارسی و آوانویسی به لاتینی و یونانی و نشانه‌های قراردادی است. در زیر هزوارشها خط کشیده شده است:

داریوش شاه بزرگ  
من دانایان

من گرفتاری پیشینان



اگ لواند راند ۹۱ ندک

عل لروم ب را دچ ارم

۱۱۱۱ لروم و د ۱۱۱۱  
پون ر است ی ه بین ر ی ه ان

۱۱۱۱ [۱۱۱۱ ۱۱۱۱] ۱۱۱۱  
حت زن ان ل آرب لونی ت

۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱  
ی وون ت سوت ی ۱۱ ر ی ه ان

۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱  
پون ر ی ت گ ر ست ا خ و ا ل ب ی ت

فرز سلواو بی سلسله  
کری ارج در بین سیه ان

کم سلسله ۱۱ سلسله ۱۱  
م گشت گرد پون ای ش برا لا

سلسله ۱۱ ۳۱ کم و  
شیر دنت خود د

لا وانیو ا [کنا] سلسله ۱۱  
لا کر شکر و لا خان دم ان

## آوانویسی

dārēm andarz ē az dānāgān  
 az guft i pēšēnagān  
 ō ašmā bē wizārēm  
 pad rāstīh andar gēhān  
 agar ēn az man padīrēd  
 bawēd sūd i du gēhān  
 pad gētīg wistāx ma bēd  
 was ārzōg andar gēhān  
 čē gētīg pad kas bē nē :histhend  
 nē kušk ud nē xānumān

## ترجمه

دارم اندرزی از دانایان  
 از گفت پیشینیان  
 به شما بگرام  
 به راستی اندر گیهان  
 اگر این از من پذیرید  
 بُود سود دو گیهان:  
 به گیتی گستاخ مَبید  
 بس آرزو اندر گیهان  
 چه گیتی به کس بنهشتند  
 نه کوشک و نه خان و مان.

## کتابنامه

## ۱- زبانهای باستانی ایران

ابوالقاسمی، محسن، تاریخ زبان فارسی، تهران ۱۳۷۳.  
 ارانسکی، ای.، م.، مقدمة فقه اللغة ایرانی، ترجمة کریم کشاورز، تهران ۱۳۵۸.  
 پورداد، ابراهیم، گاتاها، یادداشتهای گاتاها، یشتهاج ۱ و ۲، یسناج ۱ و ۲، و سپرد،  
 خردهاوستا.

خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، ج ۱ و ۲ و ۳، تهران ۱۳۶۶.  
 داعی الاسلام، سید محمدعلی، وندیداد، تهران ۱۳۶۱.  
 هوفمان، کارل، Avesta در دایرةالمعارف ایرانیکا.

- Abaev, V. I., *Osentinskij yazyk i fol'klor*, I, Moskva-Leningrad 1949.
- Brandenstein, W. u. Mayrhofer, M., *Handbuch des Altpersischen*, Wiesbaden 1969.
- Jackson, A. V. W., *Avesta Grammar*, Stuttgart 1892.
- Kent, R. G., *Old Persian*, New Haven, Connecticut 1953.
- Mayrhofer, M. *Die Rekonstruktion des Medischen*, Wien 1968.
- Rastorgueva, V. S. (ed.), *Drevneiranskije yazyki*, Moskva 1979.
- Reichelt, H., *Avesta Reader*, Strassburg 1911.
- Schmitt, R., *The Bisitun Inscriptions of Darius the Great, Old Persian Text*, London 1991.

## ۲- زبانهای ایرانی میانه

- ابوالقاسمی، محسن، تاریخ زبان فارسی، تهران ۱۳۷۳.
- ابوالقاسمی، محسن، شعر در ایران پیش از اسلام، تهران ۱۳۷۴.
- ارانسکی، ای.، م. مقدمه فقه اللغة ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، تهران ۱۳۵۸.
- بخش ۱ و ۲ Iranistik از جمله Handbuch der Orientalistik، لیدن - کلن ۱۹۵۸.
- ۱۹۶۸.
- تاوادیان، ج.، زبان و ادبیات پهلوی، ترجمه س. نجم آبادی، تهران ۱۳۴۸.
- خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، ج ۱ و ۲ و ۳ تهران ۱۳۶۶.
- درسدن، مارک، ج.، زبانهای ایرانی میانه، ترجمه احمد تفضلی. ضمیمه مجله بررسیهای تاریخی، شماره ۶، سال نهم.
- مقاله Aramaic در دایرةالمعارف ایرانیکا.
- Back, Michael, *Die Sassanidischen Staatsinschriften*, Acta Iranica 18, Belgium 1978.
- Bailey, H. W., *Zoroastrian Problems in Ninth - Century Books*, Oxford 1971.
- Boyce, M., *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*, Acta Iranica 9, Belgium 1975.
- Boyce, M., *A Word - List of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Belgium 1977.
- Henning, W. B., *Acta Iranica*, 14-15, Belgium 1977.
- Rastorgueva, V. S. (ed.), *Sredneiranskie yazyki*, Moskva 1981.
- West, E. W., *Pahlavi Literature*, in *Grundriss der iranischen Philologie*, 11, Berlin 1974.

## ۳- زبانهای ایرانی جدید

- ابوالقاسمی، محسن. تاریخ زبان فارسی، تهران ۱۳۷۳.
- ابوالقاسمی، محسن، دربارهٔ زبان آسی، تهران ۱۳۴۸.
- ارانسکی، ای. م.، مقدمهٔ فقه‌اللغة ایرانی، ترجمهٔ کریم کشاورز، تهران ۱۳۵۸.
- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین.
- ریاحی، محمد امین، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران ۱۳۶۹.
- فرجاد، محمدعلی، احوال و آثار میرزا اسدالله خان غالب، راولپندی، ۱۳۵۶.
- کسروی، احمد، آذری یا زبان باستان آذربایگان، تهران ۱۳۵۲.
- مرتضوی، منوچهر، زبان دیرین آذربایجان، تهران ۱۳۶۰.
- یارشاطر، احسان، زبانها و لهجه‌های ایرانی، در مقدمهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا.
- 'Abdu'l Ghani, M., *A History of Persian Language and Literature at the Mughal Court* 1 - 3, Allahabad 1929-1930.
- Jahani, C., *Standardization and Orthography in the Balochi Language*, Uppsala 1989.
- Mackenzie, D. N., *Kurdish Dialect Studies*, 1-II, London 1961-2.
- Rastorgueva, V. S. (ed.), *Novoiranskije yazyki, zapadnaya gruppa, prikaspijskie yazyki*, Moskva 1982.
- Rastorgueva, V. S. (ed.), *Novoiranskije yazyki, vostochnaya gruppa*, Moskva 1987.
- Riazul Islam, *Indo-Persian Relations*, Lahore 1970.

## فهرست انتشارات هیرمند



تهران: صندوق پستی ۴۵۹ - ۱۳۱۴۵ تلفن: ۶۰۱۶۶۸۶  
۶۴۶۱۰۰۷

### زبان و ادبیات فارسی

۱. تذکره شاعران کرمان □  
دکتر حسین بهزادی اندوهجردی - چاپ اول، ۱۳۷۰ - قطع وزیری
۲. عاشقانه‌ها □  
گزینۀ سروده‌های شاعران امروزی ایران - نیاز یعقوبشاهی - چاپ اول، ۱۳۷۳ - قطع رقعی
۳. ترانه‌ها □  
(مجموعه رباعیات) به انتخاب دکتر پرویز نائل خانلری - چاپ اول، ۱۳۷۰ - قطع رقعی
۴. فردوسی و سروده‌هایش □  
یوگنی ادوارد دویچ برتلس - ترجمه سیروس ایزدی - چاپ اول، ۱۳۷۰ - قطع رقعی
۵. حافظ نامه □  
سید عبدالرحیم خلخالی - چاپ سوم، ۱۳۶۸ - قطع رقعی
۶. دیوان حافظ □  
به انتخاب و گزینش یغمای جندقی، قآنی شیرازی - چاپ دوم، ۱۳۶۸ - قطع رقعی، (نایاب)
۷. فرهنگ اصطلاحات ادبی □  
رضوان شریعت - چاپ اول، ۱۳۷۰ - قطع رقعی
۸. حافظ و موسیقی □  
حسینعلی ملاح - چاپ سوم، ۱۳۶۷ - قطع وزیری، (نایاب)
۹. شعر فارسی از آغاز تا امروز □  
تألیف پروین شکیب - چاپ دوم، ۱۳۷۳ - قطع رقعی
۱۰. به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد □  
(یادنامه فروغ فرخزاد) - گروهی از نویسندگان و شاعران امروز ایران - چاپ اول، (زیر چاپ)
۱۱. پروین یا فروغ □  
با آثاری از گروه نویسندگان و شاعران امروز ایران - به کوشش بهروز صاحب اختیاری، حمیدرضا باقرزاده - چاپ اول، زیر چاپ
۱۲. هذا ما یذکره المجوس فی مبدأ الخلق □  
نویسنده نامعلوم - به کوشش دکتر محسن ابوالقاسمی - چاپ اول، ۱۳۷۲ - قطع رقعی
۱۳. رباعیات خیام □  
مقدمه و حواشی به اهتمام: محمدعلی فروغی، قاسم غنی - چاپ سوم، ۱۳۷۳ - قطع جیبی
۱۴. گلچین شعر عرفانی □  
به انتخاب و ترجمه: بدرالسادات طباطبائی - چاپ اول، ۱۳۶۷ - قطع رقعی، (نایاب)
۱۵. تاریخ ادبیات فارسی □  
یوگنی ادوارد دویچ برتلس - ترجمه سیروس ایزدی - چاپ اول، ۱۳۷۳ - زیر چاپ
۱۶. خیام و عقاب الموت □  
از فریدون مهاجر شیروانی - زیر چاپ
۱۷. پرنده‌ای در حسرت پرواز □  
نقد شعرهای سهراب سپهری و احمد شاملو، پیمان آزاد - چاپ اول، زیر چاپ

□ ۲. پرش و پاسخ با دانشجویان «دانشگاه پروتیکو»

کرشنا مورتی - ترجمه پیمان آزاد - صفحه، قطع رقی

□ ۳. تاملی در خویشتن

پیمان آزاد - صفحه، قطع رقی

## کتابهای مرجع

□ ۱. فرهنگ کامپیوتر (انگلیسی، فارسی)

چارلز سیل - ترجمه مینو میرضا صادقی - چاپ سوم، ۱۳۷۳ - قطع رقی - ۱۶۰ صفحه

□ ۲. فرهنگ کامپیوتر (انگلیسی)

چارلز سیل - چاپ اول، ۱۳۶۶ - قطع جیبی، (ناپاب)

□ ۳. فرهنگ کامپیوتر (محاسبات)

## Dictionary of Computing

از دانشگاه آکسفورد - چاپ دوم، ۱۳۶۷ - قطع وزیری - ۳۹۰ صفحه (ناپاب)

□ ۴. فرهنگ اصطلاحات متداول انگلیسی

از دانشگاه آکسفورد - چاپ دوم، ۱۳۶۷ - قطع رقی، ۲۸۰ صفحه (ناپاب)

□ ۵. فرهنگ علوم زیستی (انگلیسی)

چاپ اول، ۱۳۶۶ - قطع جیبی، ۲۷۰ صفحه (ناپاب)

□ ۶. فرهنگ مقدماتی آکسفورد

قطع جیبی، ۳۰۴ صفحه - چاپ اول

□ ۷. فرهنگ میکروالکترونیک

چاپ اول، ۱۳۶۶ - قطع جیبی، ۲۱۸ صفحه (ناپاب)

□ ۸. فرهنگ فارسی - عربی

دکتر محمد تونجی - چاپ اول، ۱۳۷۳ - قطع رقی، ۶۴۵ صفحه

□ ۹. آنچه درباره یک پرسنال کامپیوتر باید بدانید (انگلیسی)

از لابراتوار مجله PC Magazine چاپ اول، ۱۳۷۲ - قطع جیبی

□ ۱۰. قدرت بیشتری در کامپیوتر PC خود بکار ببرید (انگلیسی)

از لابراتوار مجله PC Direct - چاپ اول، ۱۳۷۲ - قطع جیبی

□ ۱۱. لغت در متن (انگلیسی)

هنری فرانکلین - هیت ج مایکل - قطع رقی، ۱۶۰ صفحه - (ناپاب)

□ ۱۲. برق اتومبیل

دانستنیهای اساسی برای همه بویژه رانندگان خودروهای پیکان و رنو - حمید باقرزاده - چاپ سوم،

۱۳۷۳ - قطع رقی، ۸۰ صفحه

## اقتصاد

□ ۱. مبانی بودجه‌ریزی در شرکتهای تولیدی (دولتی - خصوصی)

دکتر فریرز پاکزاد - چاپ اول، ۱۳۷۱ - قطع وزیری، جلد شومیز

□ ۲. ارزشیابی اقتصادی طرحهای سرمایه‌گذاری

دکتر فریرز پاکزاد - چاپ اول، ۱۳۷۲ - ۵۱۲ صفحه

□ ۳. تصمیمات سرمایه‌گذاری و هزینه‌های سرمایه‌تی. اس. پورترفیلد

ترجمه فریرز پاکزاد - چاپ اول، ۱۳۷۲ - زیر چاپ

## مجموعه دانستنیها

□ ۱. از پروستات چه می‌دانیم؟

ترجمه مرتضی مدنی‌نژاد - ۹۶ صفحه - قطع رقی

□ ۲. خودآموز آرایش و زیبایی

نگارش میترا وثوق‌آذر - زیر چاپ

□ ۳. مکانیک اتومبیل خود باشیم

حسین ناصری



## قصه، رمان، داستان

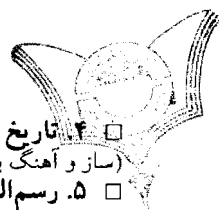
- ۱. عشق و خیانت  
الکساندر درما - ترجمه: غلامرضا بختیاری - چاپ سوم، ۱۳۷۳
- ۲. لویی بریل  
(سرگذشت پسری که به نابینایان جهان خواندن آموخت) - تألیف مارگريت دبیود سن - ترجمه: شهلا طهماسبی - چاپ اول، ۱۳۷۲ - قطع رفعی
- ۳. یک پنجره برای من کافی است  
(مجموعه قصه) - حبیب ترابی - چاپ اول، ۱۳۷۲ - قطع رفعی، جلد شومیز
- ۴. تا شقایق هست زندگی باید کرد  
حبیب ترابی - چاپ اول، ۱۳۷۳ - قطع رفعی، جلد شومیز
- ۵. داستانهای عاشقانه ادبیات فارسی  
نگارش: اقبال یغمایی - چاپ اول، قطع رفعی
- ۶. داستانهای حماسی ادبیات فارسی  
نگارش: اقبال یغمایی - زیر چاپ

## مجموعه متون فارسی

- ۱. شکوه سعدی در غزل  
به انتخاب و شرح عبدالمحمد آینی - چاپ اول، ۱۳۶۹ - قطع رفعی
- ۲. گزیده حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه  
از سنایی با مقدمه و توضیحات دکتر عسکر حقوقی - چاپ چهارم، ۱۳۷۲ - قطع وزیری
- ۳. شرح گلشن راز  
شیخ محمود شبستری با مقدمه و تصحیح دکتر عسکر حقوقی - چاپ دوم، ۱۳۷۲ - قطع وزیری
- ۴. گزیده فرخی سیستانی  
براساس نسخه تصحیح شده رشید یاسمی با توضیحات و شرح اشعار از: بهمن حمیدی - چاپ اول، ۱۳۷۳ - قطع رفعی
- ۵. گزیده مسعود سعد سلمان  
براساس نسخه تصحیح شده رشید یاسمی به انتخاب و شرح: محمد روایی - چاپ اول، قطع وزیری
- ۶. گزیده قابوس نامه  
با انتخاب و شرح اقبال یغمایی - چاپ اول، ۱۳۷۳ - قطع وزیری
- ۷. گزیده خمسه نظامی  
به انتخاب و شرح اقبال یغمایی، زیر چاپ
- ۸. گزیده کلیله و دمنه  
براساس نسخه تصحیح شده: استاد قریب با توضیحات و شرح: دکتر منوچهر دانش پزو - قطع وزیری، زیر چاپ
- ۹. گزیده های صور خیال در نثر فارسی (از قرن چهارم تا دوران معاصر)  
به انتخاب عبدالله افقهی - زیر چاپ

## هنر

- ۱. تاریخ عمومی هنرهای مصور (۱ - ۲)  
جلد اول قبل از تاریخ تا اسلام - جلد دوم دوران اسلامی و قرون وسطا - استاد علینقی وزیری - چاپ سوم، ۱۳۷۳ (با تجدید نظر و دگرگونی کامل) - قطع رفعی، ۵۲۰ صفحه، جلد سلفون
- ۲. کمال الملک  
محمدعلی فروغی، عبدالحسین نوایی، فاسم غنی و گردآوری به کوشش ناشر - چاپ اول، ۱۳۶۸ - قطع وزیری
- ۳. کمال الدین بهزاد  
۸ قمر آیین - چاپ اول، ۱۳۶۲ - قطع وزیری



۴. تاریخ موسیقی ایران  
(ساز و آهنگ باستان) محمدحسین قریب - چاپ دوم، ۱۳۶۸ - قطع رقی  
۵. رسم‌المشق حمید  
استاد علی راهجیری - چاپ سوم، قطع وزیری  
۶. رانده و با قلم و جوهر  
تاسیس کتابخانه تخصصی ویرایش و بیوگراف - ترجمه: گروه مترجمین - زیر چاپ  
۷. زیباشناسی در هنر طبیعت  
استاد علینقی وزیری - چاپ دوم، ۱۳۶۳ - قطع وزیری، زیر چاپ  
۸. شعر و موسیقی در ایران  
حسین خدیوچم، هرمز فرهت، و... - چاپ دوم، ۱۳۶۸ - قطع وزیری، (نایاب)

## تاریخ

۱. تاریخ معاصر جهان ۱۹۰۰ - ۱۹۸۸  
گروه نویسندگان انگلیسی - سرویراستار، جان باومن - ترجمه: یحیی افتخارزاده - چاپ اول، ۱۳۷۳ - قطع رحلی - جلد سلفون  
۲. تاریخ مدارس نوین در ایران  
زندگینامه میرزا حسن رُشدیه، فخرالدین رُشدیه - چاپ اول، ۲۱۶ صفحه - قطع وزیری، جلد کالینگور  
۳. تاریخ و جغرافیای دامغان  
علی اصغر کشاورز - مقدمه حبیب یغمایی - چاپ دوم، ۱۳۷۰ - قطع رقی، جلد شومیز  
۴. سیاستگران دوره پهلوی  
دفتر اول خاندان امینی - دفتر دوم خاندان علی دشتی - تألیف شادروان غلامحسین مصائب - چاپ اول، ۱۳۷۳ - قطع رقی، (زیر چاپ)  
۵. تاریخ اشکانیان  
دکتر مهرداد بهار - چاپ اول، ۱۳۷۳ - قطع رقی، زیر چاپ  
۶. تاریخ هرات در عهد تیموریان  
دکتر عبدالحلیم طبیبی - چاپ اول، ۱۳۶۸ - قطع وزیری  
۷. تاریخ نفت مسجد سلیمان  
عباس شهنی - زیر چاپ  
۸. تاریخ ایران در دوره قاجاریه  
ترجمه: عباسقلی آذری - زیر چاپ  
۹. تاریخ سیاسی اسلام (فلسفه سیاسی اسلام)  
دکتر عسکر حقوقی - زیر چاپ

## فلسفه، عرفان و...

۱. درآمدی بر فلسفه  
آ. سینکлер - ترجمه دکتر گل‌بابا سعیدی - چاپ اول، ۱۳۷۱ - قطع رقی، ۱۵۸ صفحه  
۲. درآمدی بر تصوف  
یوگنی ادوارد دویچ برتلس - ترجمه دکتر سیروس ایزدی - چاپ اول، ۱۳۷۳ - قطع رقی، زیر چاپ  
۳. درس‌هایی از استادان ذن  
دکتر رینالد هوراس بلث - ترجمه نسرین مجیدی - چاپ اول، ۱۳۷۱ - قطع رقی، ۱۶۴ صفحه  
۴. مدی تیشن  
دکتر لارنس لشان - ترجمه نسرین مجیدی - چاپ اول، ۱۳۷۱ - قطع رقی، ۱۸۰ صفحه

## مجموعه خودشناسی

۱. گفتگو با دانشجویان  
کریشنا مورتی - ترجمه پیمان آزاد - صفحه، قطع رقی